مدیریت شهری
شماره ۳۸ بهار ۹۴
No.38 Spring 2015
۲۷۳-۲۹۹
زمان دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۳/۴ زمان پذیرش نهایی: ۱۳۹۳/۱۱/۲۶

سیاست پژوهی پارادایم های مشارکتی شهروندان در مدیریت محیط زیست شهری

حسین صداقت نوری* – دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه ریزی شهری، دانشگاه آزاد اسلامی قزوین، قزوین، ایران.

چکیده

در طول تاریخ و در سراسر جهان به نقش‌ها، نیازها و توان‌های بالقوه و بالفعل شهروندان چنانکه سزاوار است نگریسته نشده؛ و به همین دلیل هنگامی که با موضوع محیط زیست روبه رو می‌شویم، مشاهده می‌شود که شهروندان به دلیل نوع وظایفشان ارتباط غیرقابل انکاری با منابع طبیعی و محیط‌زیست خود دارند و به گونه‌ای نزدیک‌تر و صمیمی‌تر به طبیعت گره خورده‌اند، به سبب وجود مشکلاتی چون فقر، عدم دستیابی به آموزش و آگاهی‌های لازم زیست محیطی و عدم مدیریت، علی رغم توان‌های خود، نتوانسته‌اند نقش مؤثری را آن چنان که شایسته آنان است ایفا نمایند. در این مقاله به روش توصیفی- تحلیلی به زمینه های مشارکت سازی شهروندان در مدیریت زیست محیطی اشاره شده و با روش سیاست پژوهی به ارائه راهکارها و سازماندهی به ارتقا میزان مشارکت شهروندی در بهبود محیط زیست پرداخته شده است. نتایج تحقیق حاضر نشان می دهد که «پی آمدهای روانشناختی شهروندان» در مدیریت پشتیبان، ایجاد انگزیش و احساس «مشارکت» است که برای شهروندان فراهم می آید و انان را به سمت مشارکت بیشتر سوق می دهد. بر این پایه می‌توان گفت که مشارکت یک درگیری ذهنی و عاطفی شهروندان در موقعیتهای گروهی است که آنان را بر می‌انگیزد تا برای دستیابی به هدفهای گروهی یاری دهند و در مسئولیت کار شریک شوند. لذا؛ «مدیریت مشارکتی زیست محیطی» به سه اقتضا وابسته است: «ساختار، جهت گیری و فراگرد»؛ بدین معنی که هرگاه مشارکتِ انجمن مردم نهاد محلی برخی ویژگی‌های هوادار را در قالب ساختار سازمانی در مدیریت زیست محیطی، جهت گیری مدیران و شهروندان نسبت به مقوله محیط زیست، فراگرد مشارکت واقعی و فراگردهای تصمیم گیری در زمینه زیست بوم شهری باید به کار گیرند را، آشکار سازند، احتمال کامیابی در زمینه بهبود و ارتقا سطح کیفی محیط زیست فزونی خواهد یافت. در عین حال، در حیطه شناسایی عوامل گرایشی، برخی متغیرهای مستقل موثر در ایجاد حس مشارکت شهروندان در مدیریت زیست محیطی عبارتند از: درآمد، تحصیلات، نژاد، شغل، جنسیت، سن، وضعیت تاهل، کسب پاداش و رضایت، مذهب و ایدئولوژی، استفاده از رسانه ها، پایگاه اجتماعی- اقتصادی، آگاهی اجتماعی و دسترسی به اطلاعات، سنت گرایی و سرنوشت گرایی، ویژگی های شخصیتی.

واژگان کلیدی: پارادایم مشارکتی، حکمروایی مطلوب شهری، محیط زیست شهری.

Research policy paradigms citizen participation in urban environmental management

Abstract

Throughout history and around the world, roles, needs and potential and actual capacities as worthy citizens are not considered. There is an undeniable connection with the duties of citizens because of their natural resources and the environment; and so closely tied to nature. Because of problems such as poverty, lack of access to education and environmental awareness and the need to manage, despite their power, they are able to play an important role in the proper way. The analytical methods of citizen participation in environmental management are discussed. Research and policy analysis to provide solutions and organized to promote citizen participation in environmental improvement are discussed. Our results show that the "psychological consequences of citizens' manage backup, creating and feel" Partnership "which provides for citizens, and they will lead to more participation. On this basis we can say that the contributions of a mental and emotional involvement of citizens in group situations that infuriate them to achieve the goals of the group help. And responsibilities are shared. "Participatory Environmental Management" is three demands: "Structure and process orientation." This means that if the participation of local civil society in the form of pro features of the organizational structure of environmental management to the administrators of people to the issues of environment in ecosystem decision processes real participation process should operate urban reveal. Likelihood of success in improving and enhancing the quality of the environment will increase.

Keywords: participatory paradigm, good governance, urban, urban environment.

این مقاله مستخرج از پایان نامه کارشناسی ارشد حسین صداقت نوری با عنوان «عوامل موثر برمشارکت شهروندان در حفظ زمین شهری با ارائه راهکارهایی در برنامه ریزی شهری؛ نمونه موردی: لواسان» می باشد که در دانشگاه آزاد اسلامی واحد قزوین به انجام رسیده که از راهنمایی دکتر سید حسین بحرینی بهره برده است.

* نویسنده مسئول مکاتبات، شماره تماس: ۰۹۱۲۲۵۷۴۳۹۱، رایانامه: hosseinsedaghat53@gmail.com

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-15]

مقدمه

امـروزه در عصـر جهانی شـدن، مصـرف کالا و خدمـات مختلـف در شـهرها و به ویـژه در کلان‌شـهرها به میزان چشـم‌گیری افزایش یافتـه و ایـن مصـرف بی‌رویـه بـا وجـود تأثیـرات مثبت بر رفـاه و بهبود کیفیـت زندگی انسـان‌ها، دارای پیامدهـای زیسـت‌محیطی بسـیاری اسـت کـه باعـث نابـودی محیط زیسـت می‌گـردد. در شـهر همچون سیسـتمی بـاز متکـی به جریـان عظیم ورودی مـواد غذایـی، آب، سـوخت، مـواد اولیـه، مـردم و اطلاعـات بـه آن اسـت و تمامـی آنهـا بـه صـورت افـکار، ایده‌هـا، دانش و فـن‌آوری، درآمـد، آلودگی هوا، ضایعـات و کالاهـای سـاخته شـده بـه خـارج جریـان می‌یابـد. در ایـن سیسـتم بـاز، مـواد جدیـد دائمـاً بـه سیسـتم برمی‌گـردد. حـال ایـن امـکان وجـود دارد که محیط زیسـت شهری در نتیجه گسـترش شهرنشینی، افزایـش جمعیـت و نیاز به مصرف مواد و انرژی بیشـتر، فشـارهای وارد بـر محیـط خـود را نتوانـد تحمـل کند و یـا حتـی آنهـا را کاهـش دهـد، و یـا مـواد زایـد وارد شـده بـه محیـط نتوانـد جـذب و در طبیعـت تجزیه و احیـاء گـردد، در نتیجه تعادل و توازن زیسـت محیطی شـهر، بـر هم خـورده و منجـر بـه ناهنجاری‌هـا و انواع آلودگی‌هـا در محیـط زیسـت شـهری می‌گـردد. نکتـه اساسـی این اسـت که اختصـاص فصلی در دسـتور کار ۲۱ بیانیـه مشـترک کنفرانـس زمیـن دربـاره محیـط زیسـت و توسـعه- حاکـی از جدی‌تـر دانسـتن نقـش عمومـی خاصـه زنـان در حفاظـت از محیـط زیسـت می‌باشـد. از سـویی دیگـر، جهـان پیشـرفته امـروزی مقتضیـات و انتظـارات جدیـدی را می‌طلبد، مشـارکت یکـی از ایـن نمونـه انتظـارات واقعـی اسـت. مشـارکت به معنـی دخالـت همه جانبه اعم از همفکری، مشـاوره، همـکاری، تصمیم‌گیـری و اجرایـی در امـور اقتصـادی، سیاسـی، زیسـت محیطـی اسـت کـه امـکان می‌دهـد تـا در فراینـد مدیریـت جامعـه مشـارکت فعالـی وجود داشـته باشـد. مشـارکت بیش از هر چیز محتاج تحول جـدی در ذهنیـت و فرهنـگ جـاری جامعه نسـبت به حضـور و فعالیـت عمـوم در مدیریـت خاصـه مدیریـت زیسـت محیطـی می‌باشـد. محیـط زیسـت شـهری در واقـع اکوسیسـتم و یـا محیطـی اسـت کـه دارای اجزاء و عناصـر مختلفـی از جملـه منابع، فراینده‌ـا و تأثیرات مربـوط بـه جوامـع گیاهـی و حیوانـی محلـی، حیـات انسـانی، معـادن، آب، خـاک، هـوا (محیـط طبیعـی)، منابـع و فراینده‌ـا و تأثیـرات مرتبـط بـا سـاختمان‌ها، مسـکن، جـاده، تأسیسـات (محیـط مصنـوع) و منابـع و فرآینده‌ـا و تأثیـرات مربـوط بـه فعالیت‌های انسـان، آمـوزش، بهداشـت، هنر (محیط اجتماعـی و اقتصادی) می‌باشـد. در نتیجـه عملکـرد و فعالیـت انسـان‌ها و تبدیـل منابـع و مـواد اولیـه بـه کالا و خدمـات مـورد نیـاز، محیـط زیسـت شـهری تحت تأثیر قـرار می‌گیرد کـه ایـن تأثیـرات ممکن اسـت مثبت و یا منفی باشـد. از جملـه عوامـل منفـی تأثیرگـذار بـر محیـط زیسـت شـهری می‌تـوان بـه انـواع آلودگی‌هـا (آلودگـی آب، هـوا، صـدا و غیره)، تولید مـواد زاید و زبالـه، فاضلاب و تراکـم جمعیـت اشـاره کرد.

بر این اسـاس در این مقاله به سیاسـت پژوهی در حوزه دسـتیابی بـه سیاسـتها و راهکارهـای مشارکت سـازی عمومـی در مدیریت زیسـت محیطی نگاهی ویژه شـده اسـت و تـلاش شـده اسـت تا ضمـن شناسـایی مفهوم مشـارکت و مدیریت شـهری زمینه هـای بهره مندی از انجمنهای خصوصی و سـازمانهای مـردم نهاد در زمینه مدیریـت زیسـت محیطی مورد اشـاره قـرار گیرد.

روش تحقیق

روش تحقیـق پژوهـش حاضـر، «توصیفـی- تحلیلـی» اسـت که از ابزار گـردآوری داده: مطالعـات کتابخانه ای و اسـنادی در ایـن زمینـه بهـره گرفته شـده اسـت. در ضمـن از روش «سیاسـت پژوهـی» نیـز در زمینـه ارائه پیشـنهادات در رابطـه با ارتقا مشـارکت شـهروندی در زمینـه مدیریـت زیسـت محیطـی بهـره گرفتـه شـده اسـت. گامهـای موردنظـر در روش سیاسـت پژوهی عبارتنـد از: «۱. تحلیـل بازیگـران»: در ایـن مرحلـه فهرسـتی از بازیگرانـی کـه دارای بیشـترین منافـع هسـتند، تهیـه می شـود و سـپس قـدرت آنان در سـه بعـد مهـم قـدرت یعنی «منابـع، توانایی بسـیج منابع و

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-15]

میـزان نفـوذ» مـورد بررسـی و تحلیـل قـرار می‌گیـرد. «۲. تحلیـل پارامترهـای سـاختاری»: هـر توصیه‌ای در بسـتر سـازمانی مناسـب، امـکان تحقـق می‌یابـد. در ایـن مرحلـه مـواردی چـون سـاختار سـازمانی اجـرای توصیه‌هـا، مقـدار منابـع مـورد نیـاز بـرای اجـرا و مکانیزم‌هـای سیاسـت‌گذاری مـورد نیاز بـرای حمایت از اجـرای سیاسـت مـورد بررسـی قـرار می گیـرد. «۳. ارزیابـی پیامدهـای بالقـوه توصیه هـا»: در ایـن مرحله مـواردی چـون آثار موردنظـر و آثار ناخواسـته احتمالی سیاسـت ها، آثـار تعاملـی احتمالـی توصیه ها بـا سیاسـتها و برنامه های دیگر و مسـیری کـه در صورت عـدم اجـرای توصیـه در پیش گرفتـه می‌شـود، مـورد ارزیابـی و بررسـی قـرار می گیـرد. «۴. آماده-سـازی و ارائـه توصیه هـای نهایـی»: در ایـن مرحلـه بـا توجـه بـه بـرآورد احتمال اجرای درسـت و مناسـب توصیه ها در مرحلـه قبـل، توصیه هـای نهایـی محقق (سیاسـت پـژوه) آمـاده و ارائـه می شـوند. در ایـن مرحلـه، حضور بازیگـران در جـرح و تعدیـل پیشـنهادات و توصیه هـا و به عبارتـی، تحقیـق عملـی مشـارکتی دارای اهمیتی فـراوان اسـت، چراکـه دسـتیابی بـه توصیه هـای مناسـب تر از طریـق مشـارکت بازیگـران و بهره برداران کـه در دانـش برنامه ریـزی شـهری از آنـان بـا عنـوان گروههـای ذی نفـع و ذی نفـوذ یاد می‌شـود به گونه ای بهتـر محقـق خواهد شـد.

مبانی نظری

مفهوم مدیریت شهری

«مدیریـت شـهری» را می تـوان سـازمانی فراگیـر و در برگیرنده اجزای رسـمی و غیررسـمی مؤثـر و کارامدی دانسـت کـه در ابعـاد مختلـف اجتماعـی، اقتصـادی و کالبـدی حیـات شـهر تاثیـر دارنـد و بـا ماهیـت چندعملکـردی در حـوزه سیاسـتگذاری، برنامـه ریزی و اجـرا بـر آن هسـتند تـا بـه اداره، هدایت،کنتـرل و توسـعه همه جانبـه و پایـدار شـهر بپردازنـد و افزایـش کیفیـت زندگـی شـهروندان و رفاه شـهروندی را محقق گردانند. همچنین باید به مفاهیمـی همچون مدیریت شـهرداری و یـا مدیریت حکومت محلی نیز اشـاره کرد کـه در کنـار مفهـوم مدیریت شـهری مطرح می شـود. در بیشـتر مواقـع نیـز مدیریـت شـهری بـه عنـوان زیرمجموعـه «حکومـت محلـی» شـناخته می شـود و «شـهرداری» نـام می گیـرد (سـعیدنیا، ۱۳۸۳، ص ۲۲). از سـویی دیگـر، پراکنـده بودن امور اداره شـهرها و مدیریـت شـهری در بیـن دسـتگاه های مختلـف اجرایـی، بـا توجـه به عـدم هماهنگـی آن هـا در تقابل بـا ماهیت توسـعه عمران و مدیریت شـهری می باشـد. هنگامـی کـه بحـث از عـدم توفیـق برنامه های توسـعه شـهری به صورت خـاص و ناتوانی برنامه ریزی شـهری بـه صـورت عـام در حـل مسـائل و مشـکلات شـهری و هدایـت منطقـی شـهری مطـرح می شـود؛ یکـی از دلایلـی کـه کمتـر بـه آن توجـه می شـود، نقـش و جایگاهی اسـت کـه عناصر مدیریت شـهری می-تواننـد در تحقـق برنامه ریـزی توسـعه شـهری ایفـا کننـد. بـا تحلیـل وضعیـت مدیریـت شـهری در ایـران مـی توان دریافـت که، در شـرایط کنونی کشـور فاقـد حکومت‌ها و سـازمان‌های توانمنـد محلـی اسـت.

در متـون فارسـی در کنـار مفهوم «مدیریت شـهری[1]» مفاهیم مشـابه دیگـری مانند «مدیریت شـهرداری»[2] و

جدول ۱. سیر تحول مدیریت شهری در ایران؛ ماخذ: ملکی، ۱۳۸۳، ص ۲۰.

شرایط حکمرانی	دوره تاریخی	الگوی حکمرانی
سنتی	قبل از ۱۲۸۵	استبدادی؛ عرفی؛ متمرکز
مدرن	۱۲۸۵-۱۳۷۸	مطلقه؛ قانونی؛ متمرکز
فرامدرن	۱۳۷۸ به بعد	مشارکتی؛ خودگردان؛ تمرکززدایی

1. Urban management
2. Municipal Management

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-15]

جدول ۲. پراکندگی جغرافیای الگوهای مختلف حکومت‌های محلی در اروپا؛

ماخذ: Margre and Bertrana, 2004 , P: 3. 4.

ردیف	مدل حکومت‌های محلی	کشورهای مجری الگوها
۱	شهردار قوی	اسپانیا؛ فرانسه؛ ایتالیا؛ پرتغال؛ مجارستان
۲	رهبری جمعی	بلژیک؛ هلند؛ لوکزامبورگ؛ جمهوری چک
۳	رهبری توسط کمیسیون	دانمارک؛ سوئد؛ لتونی
۴	شورا ـ مدیرشهر	فنلاند؛ ایرلند
۵	سایر موارد	انگلستان؛ مالت

یا «مدیریت حکومت محلی»[1] نیز مطرح است که بسیاری اوقات به جای یکدیگر به کار برده شده‌اند. با مرور منابع مربوط به مدیریت شهری تعاریف گوناگونی برای آن می‌توان یافت که حد و قلمرو هر کدام بسیار متفاوت است؛ که با طرح پرسشهایی این چنینی همراه است: آیا مدیریت شهری مترادف با یک «هدف عملّیاتی»[2]، «یک فرایند»[3] و یا «یک ساختار»[4] است؟

ویژگیهای مدیریت شهری

اهم ویژگیهای مدیریت شهری که باید توجه ویژه‌ای به آنها شود، عبارتند از: (Mattingly,202,1994)

۱. «پی‌گیری امور شهری»: مدیریت شهری فعالیتی است که در پی ایجاد تغییرات و دستیابی به اهدافی است که در زندگی شهری به دنبال آن هستیم، نه این که امری باشد صرفاً در حوزه رفتار حکومتهای شهری یا اجرای پروژه‌های شهری.

۲. «پذیرش دیدگاهی جامع و کل‌نگر»: مدیریت شهری دانشی بین رشته‌ای است که موضوعات در حیطه شهری نیازمند آن هستند. دامنه آن فراتر از سرمایه‌گذاری بخشی است. فعالیتی است که از طریق چند سطح اداره عمومی اجرا شده و بخشها و سازمانهای مختلف آن را تحت پوشش قرار می‌دهند. از اینرو مدیریت شهری مستلزم مداخله بازیگران و اقدامات مختلف از سوی بخشهای خصوصی و اجتماعات محلی و نیز حکومت است. این حوزه هم شامل سیاستها، برنامه‌ها و نیز پروژه‌هاست و هم مستلزم نگهداری و ساخت و ساز است. ارائه کالاها و خدمات شهری نیز جزء وظایف مدیریت شهری جامع نگر است.

۳. «پی‌گیری اهداف عملیاتی»: دلایلی که مدیریت برای اقدامات خود دارد، اهداف عملیاتی آن را تشکیل می‌دهند. این اهداف مسائل و فرصتهایی را که مدیریت به آنها توجه دارد مشخص می‌کند؛ لذا وجود اهداف عملیاتی بسیار حیاتی است چون به عنوان پایه‌ای برای ارزیابی کارایی و اثربخشی سیستم مدیریت شهری استفاده می‌شوند.

مدیریت شهری دموکراتیک

اصول برنامه‌ریزی شهری مدرن و نتایج آنها از حدود دهه ۱۹۶۰ به بعد مورد انتقاد جدی کسانی مثل «رابرت ونتوری» نویسنده کتاب «پیچیدگی و تضاد در معماری» (۱۹۶۶) و «آلدو روسی» ایتالیایی مؤلف کتاب «معماری شهر» (۱۹۶۶)، «جین جاکوبز» آمریکایی نویسنده کتاب «تولد و مرگ شهرها در آمریکا» (۱۹۶۱) و بسیاری کسان دیگر قرار گرفت که جوهر همه آنها نگرانی از رشد کمی شهرها، بی‌هویتی و یکسان‌سازی آنها و بی‌توجهی به سرزندگی و کیفیات انسانی و فرهنگی در شهرها است.

1. Local Government Management
2. Objective
3. Process
4. Process

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۸ بهار ۹۴
No.38 Spring 2015

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-15]

جدول ۳. انواع مدل‌های مدیریت شهری و مزایا و معایب آنها؛ منبع: آخوندی و دیگران، ۱۳۷۸، ص ۱۴۴.

نام مدل	مزایا	معایب
شهردار ـ شورا Mayor & Council	Weak Mayor شهردار ضعیف ـ شورا نمایندگی منتخب به دنبال برآورده کردن نیازهای شهروندان است. کاربرد آن در شهرهای کوچک بخوبی پاسخ داده است. شهردار قوی (Strong Mayor) - رهبری قوی با مسئولیت پذیری متمرکز؛ - سیاست سازی و اجرا را تسهیل می بخشد	- فقدان رهبری قوی - قدرت هرمسئولیت پراکنده است - خلاء قدرت سیاسی قوی باعث سیاست زدگی و ماشینی شدن می‌گردد. - حجم زیاد وظایف برای یک فرد مشکل است. - شهردارنمی تواند صرفاً با اتکای به یک نیروی متخصص عمل کند؛
شورا – مدیر Council Manager	- مدیرمتخصص مسئولیت را به عهده دارد؛ - شورا توسط سیاستها وخط مشی ها شهررا کنترل می کند؛	- فقدان رهبری قوی؛ - عدم تمایل مدیر به سیاست سازی - مدیر در انزوا قرار می گیرد؛
کمیسیونی commissioner	- شهربه صورت یک بنگاه دیده می شود؛ درشرایط بحرانی و اضطراری خوب است ساختارسازمانی ساده است اجرای سریع سیاستها و به موقع آن	فقدان نظارت و پیچیدگی انتخاب در این شیوه نبود یک فرد به وظیفه اداره کل مجموعه بطور مشخص
گردهمایی شهری باز گردهمایی شهری نماینده Town Meeting Representative Town Meeting	- پیشرفته ترین نوع دموکراسی - برای همه شهروندان حق رأی گذاشته شده و می توانند دراداره امورشرکت داشته باشند - درجوامع محدود بسیار موفق است	- انجام برنامه بلند مدت مشکل است - استفاده از افراد متخصص مشکل است - اطلاع رسانی دراین مدل سخت است - برگزاری جلسات به دلیل حضور افراد مشکل است.

به نظر «مارشال برمن» برنامه‌ریزی شهری مدرن روایت و تصویر دیگری از شهر ارائه داده است: جهانی که به لحاظ فضایی و اجتماعی به پاره‌هایی مجزا تقسیم شده است، اینجا مردم، آنجا ترافیک، اینجا کار، آنجا خانه، اینجا اغنیا، آنجا فقرا و در میان آنها موانعی از چمن و سیمان (مهدیزاده، ۱۳۸۵، ص ۱۳). در خصوص پیشینه این رویکرد می توان اشاره داشت:

۱. «برنامه‌ریزی عدالت‌گرا و حمایتی» داویدف (۱۹۶۵) و کرومهلز (۱۹۸۲) که در آنها کانون برنامه‌ریزی از کارکردگرایی، دغدغه‌های مربوط به مسایل فنی و کاربری زمین به سمت مباحث مربوط به تفاوت‌ها و پرسش سیاسی چه کسی، چه چیزی را در کجا و در چه زمانی بدست آورده و چه کسانی در خصوص این مسایل تصمیم می‌گیرند سوق داد.

۲. انتقادهای «مارکسیست‌ها»، نظیر «کاستلز» (۱۹۷۸)، «اسکات و راویز» (۱۹۷۷) و «فاینشتاین» (۱۹۸۲) به فرایند برنامه‌ریزی از این جهت که منابع قدرت را تعقیب می‌نماید. زیر سؤال برده و برای نخستین بار، داعیه بی‌طرفی و فن‌سالارانه آن فرایند برنامه‌ریزی را به چالش کشیده است (مارک اورانجی، ۱۳۸۷، ص ۲۳۱).

۳. با واکنش‌های انتقادی به برنامه‌ریزی عقلانی، برنامه‌ریزی شهری برای نجات خود به تدریج به سمت توجه به اجرای برنامه‌ها و توجه به اهداف برنامه‌ها و مشارکت مردم و دراین راستا جذب اندیشه‌های اجتماعی، اخلاقی و مشارکتی روی آورد. ضرورت توجه برنامه‌ریزی شهری به فراتر از اهداف کالبدی- فنی و توجه به خواست‌های اجتماعی، فرهنگی و روانی مردم، ضرورتاً برنامه‌ریزی شهری را با عرصه‌های دیگر مثل کیفیت محیط، رفاه عمومی، عدالت اجتماعی، مشارکت شهروندان مرتبط می‌سازد (مهدی‌زاده و دیگران، ۱۳۸۲، ص ۸۱).

۴. در واقع دموکراسی مستلزم این است که میان

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-15]

جدول ۴. فرضیات پیشین و دیدگاه‌های نوین در سیاست‌گذاری شهرها؛

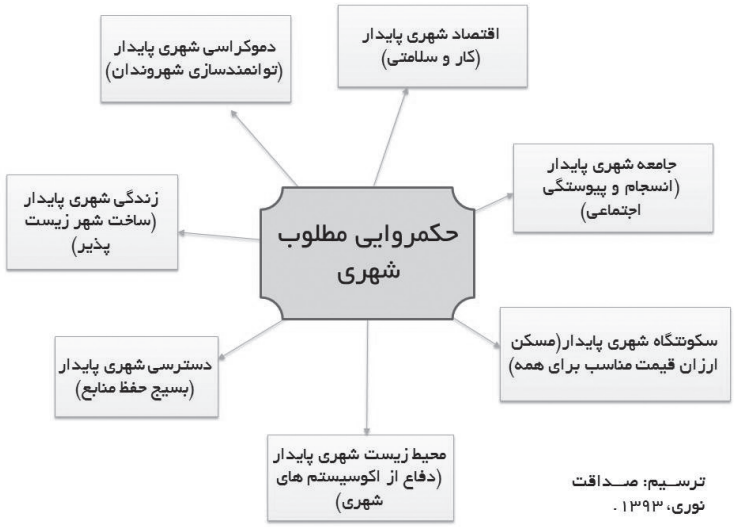
منبع:2000,Peter Hall and Ulrich Pfeiffer

دیدگاه‌های نوین	فرضیات قدیمی
- شهرها منبع نوآوری و رشد اقتصادی هستند؛ - شهرها تأمین کننده روستاها هستند؛ - شهر بزرگتر، فرصت‌های بیشتری را در اختیار می‌گذارد؛ - سیاست‌های عمومی باید در راستای بهره‌وری هر چه بیشتر شهرها جهت‌دهی شوند؛ - مهاجران برخوردار از انگیزه و مهارت‌هایی بالاتر از آنچه که به نظر می‌رسد هستند؛ - حاشیه‌نشینان در اقتصاد شهری سهیم عمده‌ای دارند، اغلب بیش از آنچه که به دست می‌آورند؛ - اکثر خانواده‌های ساکن در حاشیه دارای ارزش‌های سیاسی میهن‌پرستی، مقاومت و بااستقامت هستند؛ - شهرنشینی شاخصی از توسعه‌یافتگی است و با افزایش نرخ شهرنشینی، نرخ زاد و ولد کاهش می‌یابد؛ - تحول در عملکردهای (شیوه‌های تولید و مصرف) شهری برای پایداری اکولوژی جهانی ضروری است؛ - زباله منبعی ارزشمند است، به شرطی که در سیستم‌های چرخه‌ای بازیافت وارد شوند؛ - بیشتر راه حل‌های ابتکاری از پایین به بالا می‌باشند تا از بالا به پایین؛ - بخش غیررسمی ارائه‌دهنده اصلی شغل، درآمد و مسکن است؛ - مدیریت تمرکززدایی شده به طور کارایی بین نیازها و منابع ارتباط برقرار می‌کند و این ارتباط برای از بین بردن موانع ضروری است؛	- شهرها مسأله‌زا و مشکل‌آفرین هستند؛ - روستاها هزینه شهرها را می‌پردازند؛ - شهرها روز به روز بزرگتر می‌شوند؛ - سیاست‌های عمومی باید در راستای ایجاد محدودیت در اندازه شهری جهت‌دهی شوند؛ - مهاجرین برای شهرها مسأله‌زا و مشکل آ فر ین ؛ - حاشیه‌نشان اقتصاد شهری و خدمات شهری را چپاول می‌کنند؛ - سکونتگاه‌های حاشیه‌ای منبع آشوب، جرم و جنایت و مواد مخدر هستند؛ - شهرها در انفجارهای جمعیتی سهیم هستند ؛ - شهرها و فقیران شهری تهدیدی برای تخریب محیطی هستند؛ - زباله‌های جامد و انسانی آشغال‌هایی هستند که باید دور ریخته شوند - حکومت، برنامه‌ریزان و کارشناسان راه حل‌هایی برای مشکلات شهری ارائه می‌دهند؛ - برنامه‌های حکومتی، مسکن فقیران را تأمین می‌کنند؛ - حکومت شهری با اقتدار و برخوردار از قدرت نظامی برای مواجه با مشکلات مدیریت شهری ضروری است؛

منافع عمومی و منافع خصوصی گروههای مختلف اجتماعی، نوعی هماهنگی و همکاری متقابل رعایت گردد. تحقق این امر، بی‌تردید، نوعی برنامه‌ریزی آگاهانه و دموکراتیک را نیاز دارد (مهدی‌زاده و دیگران، ۱۳۸۲، ص ۱۶۴).

۵. این تغییر رویکرد و نگرش در برنامه‌ریزی شهری به طور عمده منطبق با این‌ایده است که شرایط سیاسی- اجتماعی، سازمان مدیریت و اجرا و میزان مشارکت همگانی، نقش مؤثرتری در تحقق سازماندهی مطلوب شهری و کیفیت آن ایفا می‌کنند (مهدیزاده و دیگران، ۱۳۸۲، ص ۵۱۸).

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-15]



نمودار۱. حاکمیت مطلوب، مفهومی مشتمل بر توسعه پایدار به عنوان هدف اصلی؛ ماخذ: نگارندگان.

توسعه پایدار و مدیریت شهری

«پیترهال» بنیادهای شهر پایدار را در هفت مورد به شرح ذیل مشخص کرده و حکومت‌ها را ملزم به برآوردن آنها می‌داند. در واقع اینها اصولی هستند که مدیریت شهری از طریق بهبود عملکرد خود و حاکمیت مطلوب باید آنها را برآورده سازد: «اقتصاد شهری پایدار»: کار و درآمد مناسب؛ «جامعه شهری پایدار»: همبستگی و یکپارچگی اجتماعی؛ «سرپناه شهری پایدار»: خانه‌سازی شایسته در استطاعت همه؛ «محیط زیست شهری پایدار»: اکوسیستم‌های با ثبات؛ «دسترسی شهری پایدار»: تحرک همراه حفاظت منابع؛ «زندگی شهری پایدار»: ایجاد شهر زیست‌پذیر؛ «مردم‌سالاری شهری پایدار»: قدرتمندسازی شهروندی.

در ارتباط با بعد «زیست محیطی پایداری»؛ کاهش و اتمام منابع طبیعی، آلوده‌سازی فراتر از ظرفیت حامل محیط پیرامون و اثرات تخریبی بازگشت ناپذیر بر اکوسیستم جهانی، مهمترین چالش‌های پایداری می‌باشند. باید تأکید نمود که حفاظت محیط‌زیست همراه با توسعه اجتماعی- اقتصادی در تمامی ابعاد و هم‌زمان دست‌یافتنی است و مانند دیگر ابعاد پایداری، نه تنها «پایداری تک‌بعدی» در مورد محیط‌زیست قابل حصول نیست، بلکه در صورت عملّی شدن، ضد اجتماعی و غیرانسانی خواهد بود. راهکار حکومت‌های شهری در حل معضلات زیست محیطی شهری نه در متوقف کردن رشد شهری، که اصولاً با شرایط جهانی و سیاسی نیز سازگار نمی‌باشد، بلکه در استفاده از توازن‌های فنی و سرمایه‌ای محیط خلاق شهری است تا چاره‌جویی پیامدهای منفی خود و دیگر سکونتگاه‌ها را با راه حل‌های نوآورانه و پیشاهنگی در فرهنگ‌سازی و ترویج الگوهای سازگار با طبیعت بنماید و حتی به صدور این گونه خدمات بپردازد. باید شیوه‌ها و سبک‌های زندگی و فناوری‌های ناسازگار با طبیعت را متحول کرد و از ابزارها و شیوه‌های نوین سازگار با طبیعت استفاده کرد.

بر اساس نتایج پژوهشی با عنوان «شهرسازی مشارکتی: مشارکت مردمی در برنامه‌ریزی توسعه و مدیریت شهری» که توسط «سیمین حناچی و واراز مرادی مسیحی» به سفارش دبیرخانه شورای عالی شهرسازی و معماری ایران در سال ۱۳۷۸ اجرا شده است، مسائل و مشکلات مدیریت شهری در سه سطح «۱. رابطه دولت با نهادهای محلی»، «۲. رابطه بین نهادهای محلی مرتبط با مدیریت شهری» و

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-15]

«۳. رابطـه بیـن اجـزاء و عناصر درون سـاختار مدیریت شـهری» مورد بررسـی قرار گرفته اسـت. براساس نتایج این پژوهش، مشـکلات مدیریت شـهری در سـه عرصه فوق‌الذکـر بـه شـرح زیر دسـته‌بندی شـده اسـت:

۱. در سـطح اول مشـکلات زیـر قابـل ذکـر می‌باشـند: عـدم اسـتقلال سـازمان‌هایی کـه اداره امـور شـهر مسـتقیماً بـه عهده آنـان اسـت؛ عدم وجـود هماهنگی و همکاری‌هـای لازم بیـن شـهرداری‌ها و سـازمان‌های بخشـی دولتـی در برنامه‌ریـزی و اجـرا؛ اختیـارات وسـیع و مسـتقیم اسـتانداران و فرمانداران بر شوراها و شـهرداری‌ها؛ عـدم تبعیـت سـازمان‌های بخـش دولتی از مقـررات شـهرداری‌ها؛ وجـود چندگانگـی در قوانین و تبصره‌هـای مربـوط بـه اختیـارات شـهرداری‌ها؛ عدم شـفافیت در تعییـن حـد و مـرز اختیـارات و عملکـرد شـوراهای اسـلامی شـهرها؛ عـدم مدیریـت واحـد در سـطح کلان شـهرها و منطقه‌هـای شـهری؛ تعـدد و عـدم صراحـت در قوانین شـهرداری‌ها؛ ضعف سیسـتم مدیریـت شـهری؛ خـودداری نهادهـای اداری و دولتی در پرداخـت هزینه‌های شـهری؛ عـدم جایگزینی منابع مالـی و رسـمی در ترکیـب درآمـد شـهرداری‌ها پـس از کاهـش سـهم منابـع مالـی شـهرداری‌ها از طـرف دولـت مرکـزی؛ تداخـل وظایـف و تصمیم‌گیری‌هـا در مـورد سـرمایه‌گذاری و اجـرای طرح‌هـا و برنامه‌ها بین نهادهـای دولتی عمومی و نهادهـای غیردولتی عمومی؛ گسـتردگی حجـم فعالیت‌هـای تصدی‌گـری بخـش دولتـی در امـور مربـوط بـه مدیریـت و برنامه‌ریـزی شـهری خدمـات شـهری و تأسیسـات و تجهیـزات شـهری؛ فقدان مکانیزم‌های نظارتی شـوراهای اسلامی بـر فعالیت‌های عمرانـی و خدماتی سـازمان‌های بخش دولتـی؛ عدم دسترسـی یا کنترل شـهرداری و شـوراها بـر تخصیـص بودجـه بـه سـازمان‌های بخـش دولتـی بـرای عمران شـهری؛ عدم وجـود مکانیزم‌هـای ارزیابی و نظـارت بـر فعالیت‌هـای سـازمان‌های بخـش دولتـی ذی‌مدخـل در امـور شـهری؛ عـدم هماهنگـی لازم بین اهـداف برنامه‌هـای شـهری بـا برنامه‌هـای ناحیـه‌ای، منطقـه‌ای و ملـی بالادسـت توسـط سـازمان‌های فرابخشـی، بخشـی و محلـی؛ تعـدد و عـدم صراحت در قوانیـن شهرسـازی؛ عدم انعـکاس نظرات شـهرداری‌ها در برنامه‌هـای درازمـدت توسـعه کـه توسـط مسـکن و شهرسـازی تهیـه می‌شـود؛ عـدم هماهنگـی بیـن طرح‌های توسـعه شـهری بـا طرح‌های ایجاد شـهرهای جدیـد، طرح‌هـای آماده‌سـازی زمیـن و طرح‌هـای بهسـازی و نوسـازی بافـت قدیـم؛ مشـخص نبـودن سیاسـت‌های شهرنشـینی و چگونگـی توزیـع جمعیت در کشـور در هنـگام تهیـه طرح‌هـای توسـعه شـهری؛ ایجـاد شـکاف بیـن برنامه‌ریـزی مسـکن و برنامه‌ریزی توسـعه شـهری توسط سـازمان‌های فرابخشـی، بخشی و محلـی.

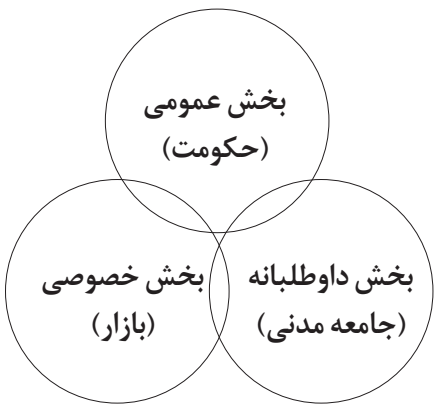
۲. مسائل و مشکلات زیر در ارتباط بین نهادهای محلی و شـهری دخیـل در مدیریـت شـهری قابل برشـماری می‌باشـند: عـدم وجود یک نظام مدیریت شـهری واحد و هدفمنـد و منبـع پویـا کـه توانایـی هماهنگ‌سـازی سـازمان‌های مختلـف دولتی، غیردولتـی و خصوصی را داشـته باشـد؛ عدم وجـود مکانیزم‌های مشـخص جهت نظـارت بـر فعالیـت شـهرداری‌ها از سـوی شـوراهای اسـلامی شـهرها؛ عدم هماهنگی در امر سـرمایه‌گذاری در امـور شـهری بیـن بخـش خصوصـی و عمومـی؛ عـدم شـرکت بخـش خصوصـی در تصمیم‌گیری‌هـای مربـوط بـه امـور مدیریـت شـهری؛ عـدم هماهنگـی لازم بیـن سـازمان‌های ارائه‌دهنـده خدمـات شـهری بـا سـازمان‌های دریافت‌کننـده خدمـات؛ عـدم وجـود قوانیـن و دسـتورالعمل‌های لازم در خصـوص کیفیـت اجـرای طرح‌هـای توسـعه شـهری؛ تهیـه طرح‌هـا بـه صورت بسـته و محرمانه و بـدون توجه به نظارت مردم؛ عـدم وجـود هماهنگـی در خصوص اراضی شـهری بین سـازمان زمین شـهری، اداره کل منابع طبیعـی، اوقاف و ...؛ عـدم حضـور سـازمان‌ها و تشـکل‌های غیردولتـی در امـور برنامه‌ریـزی توسـعه و مدیریت شـهری؛ فقدان سیسـتم مشـارکت همه‌جانبه در امور مدیریت شـهری؛ فقـدان مشـارکت‌های مطلـوب مردمـی در تأمین منابع مالـی تهیـه و اجـرای طرح‌های توسـعه شـهری؛ فقدان یـک سـاز و کار اطلاعاتی و انتشـاراتی که به گسـترش

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-15]

فرهنـگ شهرسـازی بیـن مـردم کمـک کنـد؛ ضعـف شـهرداری در ایجـاد هماهنگـی بیـن سـازمان‌های عهـده‌دار تأمیـن خدمات شـهری؛ عـدم هماهنگی بین بخش‌هـای مختلـف برنامه‌هـای توسـعه شـهری و عدم امـکان کنتـرل اثـرات بیـن بخشـی؛ عـدم ارتبـاط لازم بیـن مراکـز تحقیقاتـی و دانشـگاهی بـا مدیریت‌هـای محلی و

۳. در سـطح سـوم کـه بـه عملکـرد و روابـط درونـی سیسـتم مدیریـت شـهری مربـوط می‌شـود مسـائل و مشـکلات زیـر قابـل شناسـایی می‌باشـد: عـدم تطبیق سـازمان شـهرداری‌ها بـه لحـاظ تشـکیلاتی و امتیازات بـا نیازهـای محلـی؛ ضعـف و عدم اسـتقلال شـوراهای اسـلامی در انجـام وظایـف محولـه بـه ویـژه وظیفـه نظارتـی؛ تشـکیلات ضعیـف، وابسـته و غیرمنعطـف شـهرداری‌ها؛ کمبـود نیروی متخصص و کارشـناس در مسـایل مدیریت شـهری؛ فقدان سـاختارهای مناسـب برنامه‌ریـزی شـهری در شـهرداری‌های شـهرهای زیـر ۵۵۰۰۰ نفـر جمعیـت؛ فقدان نیـروی متخصص لازم و کافـی در رشـته‌های مدیریـت و برنامه‌ریزی شـهری در سـازمان‌های محلی؛ عدم اسـتفاده از مدیـران کارآمد و فقدان امنیت شـغلی بـرای مدیران شـهری؛ عدم وجود مکانیزم‌هایـی جهت اسـتفاده از ارزش افـزوده حاصل از اجرای طرح‌های توسـعه شـهری توسـط شـهرداری‌ها؛ عـدم کارایـی مکانیزم‌های مالی و اداری در پاسـخگویی بـه مشـکلات و نیازهـای مدیریت شـهری؛ عـدم وجود سیسـتم اطلاعـات شـهری بهنـگام، متمرکـز و جامـع؛ عـدم تحقـق خوداتکایـی مالـی شـهرداری‌ها و عـدم تناسـب هزینه‌های رو بـه افزایش شـهرداری‌ها با منابع درآمـدی موجـود؛ فقـدان ارزیابـی صحیـح از امکانات و پتانسـیل‌ها و منابـع شـهری؛ عـدم وجـود طرح‌هـای بهنگام توسـعه شـهری؛ در برنامه‌ها و طرح‌های توسـعه شـهری بندرت پیشـنهادات دقیـق اجرایـی و اهرم‌های مالـی مشـخص دیـده می‌شـود؛ عـدم انعطاف‌پذیـری طرح‌هـای توسـعه شـهری و امـکان کـم تطبیـق آنهـا بـا تغییـر و تحولات سـریع شـهری؛ تمرکز مهندسـین مشـاور تهیه‌کننـده طرح‌هـای توسـعه شـهری در پایتخـت؛ ارائـه پیشـنهادات و سـرانه‌های بلندپروازانـه در طرح‌هـای توسـعه شـهری کـه فراتـر از تـوان مالـی ـ فنـی شهرداری‌هاسـت؛ بهـره وری پائیـن و عـدم کارائـی لازم در اجـرای برنامه‌هـا؛ طرح‌هـای شـهری به صـورت اسـناد فنی تهیه شـده و به آسـانی بـرای مردم عـادی و غیرمتخصـص قابـل فهم نمی‌باشـد (حناچی و مسـیحی، ۱۳۷۸).

الگـوی حاکمیـت این سـه بخـش را در عـرض یکدیگر می‌بینـد و نـه در طـول همدیگـر و سـاختار هرمـی در ایـن الگـو از بیـن مـی‌رود. واژۀ «شـراکت» بـر همیـن ارتبـاط افقـی و شـبکه‌ای بیـن نهادهـا دلالـت دارد که گاهی فراتر از مشـارکت اسـت. شـراکت یاد شده سبب می‌شـود تـا امـور عمومـی و مسـائل عمومـی به شـکل صحیح‌تـر و بهینه‌تـری اداره شـود.



نمودار ۲. روابط بین دولت، بخش خصوصی و جامعه مدنی در حاکمیت خوب (UNDP, 2000)

همچنیـن دلایـل مشـخص‌تری بـرای جلب مشـارکت جامعـه محلـی در توسـعه راهبردهـا و اسـتراتژی‌های شـهری وجـود دارد:

۱. در نظـر گرفتـن نیازهـای متنـوع و اولویت‌هـای جامعـه محلـی؛

۲. در نظـر گرفتـن نیازهـای ویـژه گروه‌هـای مختلـف شـهری در راسـتای همـکاری آنها در اتخـاذ تصمیمات استراتژیک؛

۳. تعیین اولویت‌ها با مشارکت و توافق مردم؛

۴. اسـتفاده از نظـرات مبتکرانه اقشـار مختلـف جامعه؛

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-15]

جدول ۵. ویژگیهای دولت در الگوی حاکمیت شهری

ویژگی	دولت با الگوی حاکمیت	عناصر مخالف حاکمیت
مشارکت	ارتباط نزدیک بین قدرت محلی و نخبگان بازار؛ سایر بخش‌ها نیز چنین وضعیتی دارند	عدم تعامل بین قدرت محلی و بخش بازار؛ برای برقراری ارتباط نیازمند قانون است
همکاری	شبکه‌های داوطلبانه بر پایه اعتماد	ارتباط سلسله مراتبی بین بازیگران محلی و بازیگران خارج از محل
پایداری	ثبات؛ همکاری دراز مدت	بی ثبات، کوتاه مدت، نمایشی و ابزاری
استقلال و آزادی عمل	بالا؛ هدف‌گذاری و تأمین منابع در محل (محلی)	پایین؛ تعیین هدف و تأمین منابع از خارج و توسط عوامل خارجی (خارج از محل)
نفوذ	رهبری و اعمال سلطه در سطح منطقه، شهرک‌ها و شهر خواهد بود (اعمال نفوذ توسط سطوح محلی در سطح منطقه و محل است)	نفوذ وجود ندارد؛ برخی همکاریها نیز نمایشی است
اهداف	محلی؛ و در سطح محل تعیین می‌شود	در خارج تعیین می‌شود
سینرژی یا قدرت مضاعف	ترکیب بخش خصوصی و عمومی‌قدرتی برای دستیابی به دیگر اهداف تعیین نشده ایجاد می‌کند	همکاری در حد صفر یا پایین تر از صفر است

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۸ بهار ۹۴
No.38 Spring 2015

۵. مشارکت منابع جامعه و بسط شبکه اجتماعی.
«شری ارنشتاین» در نموداری که از مشارکت شهروندان با عنوان «نردبان مشارکت شهروندی» در سال ۱۹۶۹ ارائه داد، به اهمیت مشارکت شهروندان در فرایند برنامه‌ریزی پرداخت و سطوح مختلف مشارکت را در سه سطح مشخص ساخت.
۱. به نظر ارنشتاین در پایین‌ترین سطح هیچ نیرویی یا قدرتی برای مشارکت وجود ندارد. به زعم وی، بعضی از دستگاه‌های دولتی و مؤسسات عمومی به صورت ساختگی، نوعی مشارکت ظاهری را تدارک می‌بینند که عمدتاً برای کارهایی است که نتیجه آن از قبل مشخص و معین است.
۲. پلکان دوم که آگاهی از فرایند تصمیم‌گیری است عمدتاً غیرواقعی است و تنها آگاهی صوری از وضعیت مشارکت مورد نظر مطرح است.
۳. در پلکان سوم بحث آگاهی و اطلاع‌رسانی قرار دارد که طی آن آگاه‌سازی شهروندان که از کل تصمیم‌های کلانی که قرار است به اجرا درآید، صورت می‌گیرد.
۴. پلکان چهارم که مشورت و مشاوره است. قبل از اجرا با نظرسنجی از نظرات شهروندان مطلع می‌شویم، این نظرسنجی نباید جنبه صوری داشته باشد بلکه باید به گونه‌ای باشد که شهروندان احساس کنند در اخذ تصمیم‌گیری به نوعی نظارت و مشارکت داشته و در به کارگیری نظرات آنان مدیران جامعه کوتاهی نکرده‌اند و لذا نوعی تسکین

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-15]



نردبان مشارکت ارنشتاین؛ ترسیم؛ صداقت نوری و بحرینی، ۱۳۹۳.

نمودار ۳. نردبان هشت پله‌ای مشارکت ارنشتاین؛ ماخذ: Healy, 2005: 26

مدیریت شهری
فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۸ بهار ۹۴
No.38 Spring 2015

عرصه‌ها / سطوح	اقتصادی- مالی	کالبدی (کاربری زمین)؛ زیست محیطی	اجتماعی- فرهنگی	سازمانی- اداری
ملّی ایالتی				
منطقه‌ای کلان شهری				
محلی/شهری محله‌ای				

نمودار ۴. فرایند برنامه‌ریزی یکپارچه مدیریت شهری؛ ماخذ: نگارندگان.

و آرامش در بین آنها به وجود خواهد آمد. مشارکت در تصمیم‌گیری موجب می‌شود که شهروندان نتیجه مشارکت خود را لمس می‌کنند و در زمانی که در تصمیم‌گیری از نظرات آن‌ها استفاده شود به قدرت خود در مشارکت پی می‌برند. در پلکان ارنشتاین مشارکت شهروندان در اخذ تصمیمات و هم‌چنین در امور اجرایی به کنترل کامل منجر می‌شود که به بیانی دیگر «کنترل اجتماعی» نامیده شده است (Healy,2005, P:27).

مفهوم مشارکت

«مشارکت» کلمه‌ای عربی و از باب مفاعله است؛ و معادل فارسی آن همیاری، همراهی و شریک شدن

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-15]

و همدست شدن در کارها و همکاری کردن است. به عبارت دیگر مشارکت به معنای شریک کردن متقابل در امری است (زیرکی، ۱۳۸۰، ص ۱۷). ریشه لاتین این کلمه از واژه participate به معنای با خود داشتن و از نفس خویش چیزی از غیر داشتن، سهمی در چیزی غیر از خود داشتن است. در دایرهٔ المعارف علوم اجتماعی نیز مشارکت به معنای شرکت فعالانه انسان‌ها در حیات سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و بطور کلی تمامی ابعاد حیات خود آمده است (ساروخانی، ۱۳۷۴). در ادامه به برخی از تعاریف در این رابطه اشاره می شود:

۱. مشارکت عبارت است از متشکل کردن گروههای محروم از مزایای اجتماعی به منظور تامین برخی نیازهای ضروری آنها (که دولت آن را تامین نمی کند و یا خارج از توان مالی او باشد) از طریق خودیاری (بنار، ۱۳۸۴، ص ۲۳).

۲. مشارکت در حقیقت امری است که انسان های ناتوان را به سوی توانمندی هدایت کرده و توانایی های بالقوه آنان را به بالفعل تبدیل می نماید و بر قدرتشان برای بهره گیری از زندگی می افزاید (مطیعی لنگرودی؛ ۱۳۸۲، ص ۸۱).

سازمان ملل در سال ۱۹۸۱ فرآیند مشارکت را «ایجاد فرصت‌هایی که همه اعضای یک اجتماع محلی و جامعه ی بزرگتر را قادر به مشارکت فعال و موثر در فرآیند توسعه و بهره برداری از ثمرات و منافع توسعه نمایند تعریف نموده است» (UN, 1987).

باید به مشارکت به عنوان ابزار توسعه نگاه کرد. اگر توسعه را یک اندیشه و تفکر تلقی کنیم، مشارکت به عنوان یک وسیله است. در واقع نتیجه توسعه، توانمندسازی مردم است و تواناسازی یعنی دانایی، کارایی و پایداری. همچنین باید اشاره داشت که؛ در متون مختلف از مشارکت تعاریف متعددی صورت گرفته است که هر کدام از این تعابیر و تعاریف با توجه به رویکرد نظری و تجارب شخصی از دیدگاه‌های متفاوتی سرچشمه گرفته است. مشارکت درگیری ذهنی و عاطفی اشخاص در موقعیت‌های گروهی است که آنان را بر-می‌انگیزد تا برای دستیابی به هدف‌های گروهی یکدیگر را یاری دهند و در مسئولیت کار شریک شوند (علوی تبار، ۱۳۷۹، ص ۱۵). در این تعریف سه جزء مهم وجود دارد: «درگیر شدن»، «یاری دادن و مسئولیت»، «درک عمیق». این تعریف مستلزم مرور اجمالی بر این سه جزء است.

۱. الف- درگیری ذهنی و عاطفی: در مرتبه نخست و شاید پیش از هر چیز دیگر، مشارکت به معنای درگیری ذهنی و عاطفی بوده، تنها به کوشش های بدنی محدود نمی‌شود. در مشارکت، خود شخص نیز درگیر است و تنها مهارت و توانایی‌های وی و یا امکانات فراهم شده توسط او درگیر نیست. این درگیری روانشناختی است نه جسمانی. انسانی که مشارکت می کند، خود-درگیر است و نه کار-درگیر.

۲. ب- انگیزش برای یاری دادن: شخص در مشارکت این فرصت را می‌یابد که از این قابلیت‌ها، ابتکارات و آفرینندگی خود برای دستیابی به هدف های گروهی استفاده نماید. از این‌رو مشارکت با موافقت فرق دارد. در موافقت، موافقت کننده، یاری ویژه‌ای نمی کند بلکه تنها آنچه را که پیش‌رویش می گذارند تصویب می کند. در واقع در موافقت، نقش اصلی را تصمیم‌گیرنده بازی می کند که می‌کوشد تا با استفاده از توانایی‌های خویش، جمع را به موافقت وا دارد. اما مشارکت چیزی بیش از گرفتن موافقت از یک جمع برای تصمیم از پیش گرفته شده است. مشارکت یک دادوستد اجتماعی دوسویه میان مردم است و نه روش قبولاندن اندیشه‌های مسئولان بالادست در واقع در مشارکت، نقش اصلی با مشارکت کننده است که می کوشد تا توانایی‌های خویش را آشکار سازد.

۳. ج- پذیرش مسئولیت: مشارکت، اشخاص را برمی‌انگیزاند تا در کوشش‌های گروه، خود مسئولیت بپذیرد. در واقع مشارکت هنگامی تحقق می‌یابد که بی‌تفاوتی و بی‌مسئولیتی جای خود را به احساس وابستگی و مسئولیت بدهد (علوی تبار، ۱۳۸۷، ص

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-15]

۱۶-۱۵).

مفهوم مدیریت مشارکتی

مدیریت مشارکتی یعنی درگیر شدن کارکنان در فرآیند تصمیم‌گیری، دعوت از همه افراد به تفکر راهبردی و قبول مسئولیت فردی برای کیفیت کار و تولیدات آنها، حمایت و پاداش رفتار کارکنان که از دید آنها لحظه به لحظه ارباب رجوع را ارضا و عملکرد سازمان را بهبود می‌بخشد. در هر حالت، مدل مشارکتی، نظارت اصلی بر سازماندهی تربیت و راهنمایی کارکنان، همچنین خودکنترلی را مستثنی نمی‌کند. به واقع مدیریت مشارکتی ارتباط دایم، متقابل و نزدیک بین مدیریت ارشد و کارکنان است. عناصر اولیه پایه‌ای برای مدیریت مشارکتی عبارتند از:

۱. تسهیم اطلاعات مربوط به مسائل کسب و کار و نتایج آن،

۲. جبران خدمت برای آن نتایج،

۳. دانشی که به افراد اجازه درک و سهیم شدن در آن نتایج را می‌دهد و

۴. داشتن قدرتی که آنها را در تصمیم‌گیری یاری می‌کند. «اسپراتیزر» عنصر پنجمی را به این ۴ عنصر اضافه می‌کند و این نکته را به اثبات می‌رساند که موقعیت برای کسی که در آن کار می‌کند، معنی‌دار است.

انواع مشارکت

اگر بخواهیم یک تقسیم بندی کلی از مشارکت داشته باشیم، می توان آن را به سه نوع مشارکت مالی و اقتصادی ،مشارکت فکری و فرهنگی و مشارکت سیاسی تقسیم کرد.

۱. «مشارکت مالی»: در این نوع مشارکت افراد یک گروه یا جامعه به منظور پیشبرد سریع امور و مقاصدی معین مشارکت مالی کرده و با پرداخت وجه عملا در اجرای یک کار شرکت می کنند.

۲. «مشارکت فکری و فرهنگی»: در این نوع مشارکت افراد برای ارتقاء و بالا بردن توانایی و کیفیت عملی امور انجام می گیرد. اساس کار بر تحول ذهنی و اندیشه استوار است و منظور آن است که تا ارتقاء و تحول ذهنی صورت نگیرد مشارکت به مفهوم وافعی تحقق پیدا نمی کند.

۳. «مشارکت سیاسی»: در این نوع، بیشتر به حضور افراد در تعیین سرنوشت سیاسی تاکید دارد.

علاوه بر این، انواع متفاوتی از مشارکت را می توان برشمرد:

۱. «مشارکت سازمانی» (نهادی) همچون مشارکت شهروندان در فعالیت بنیادها، نهادها و سازمان ها.

۲. «مشارکت بعدی»،

۳. «مشارکت اجتماعی« (غیر سازمانی) و

۴. «همکاری خودجوش بین مردم»، بدون وجود نظام سازمانی یا برنامه ای خاص. این نوع مشارکت اگر در نواحی شهری نهادینه شود می تواند در توسعه پایدار نقش مفیدی داشته باشد.

از دیدگاهی دیگر می توان انواع مشارکت را به صورت زیر تقسیم بندی کرد:

۱. مشارکت بین افراد که به آن مشارکت دوجانبه می گویند و خود به خود بوجود می آیند؛

۲. مشارکت بین افراد خیر و افراد آسیب دیده که از طریق کمک به افراد آسیب دیده همچون دادن صدقه، کمک رسانی و دادن هدایا انجام می گیرد؛

۳. مشارکت بین مردم و دولت یا مشارکت قراردادی که موثرترین شکل مشارکت در فرآیند توسعه است.

پیشینه فعالیت های مشارکتی در ایران

تشکل های مردمی در ایران دارای سوابق تاریخی دیرینه‌ای هستند. در واقع از زمانی که زندگی اجتماعی انسان ها در روستاها و سپس در شهرها شکل گرفت نیاز به یاری گری و مشارکت مطرح شد و کمک توانمندان به ناتوانان در اشکال فردی و گروهی شکل گرفته و نهادینه شده است. به طور کلی می توان دو الگوی مشارکت و به تبع آن دو سازمان سنتی و مدنی را از همدیگر تفکیک کرد:

۱. الگوی اول مشارکت، الگوی سنتی است که حول خود سازمان های سنتی را شکل داده است. منظور از مشارکت سنتی مشارکت بر اساس سنت،

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-15]

عـرف، عـادت و مذهـب اسـت و میـان افـراد جامعه به شـکل نهـادی و خودجـوش وجـود دارد. این مشـارکت محصول گذشـت سـالیان دراز بوده اسـت و از گذشـته در میـان مـردم وجود داشـته و از نسـلی به نسـل دیگر انتقـال یافتـه اسـت و پاسـخی بـه نیازهـای تحـولات تاریخـی بـوده انـد. در ایـن الگـو، دولت هیچ نقشـی در هدایـت و سـازماندهی نداشـته و انجام کارهـا بر عهده مـردم اسـت (علـوی تبـار، ص ۵۱). این الگـو علی رغم تحـولات اجتماعـی سـده اخیـر در جامعـه ایرانـی بـا اندکـی تغییـرات، هنـوز هـم بـا قـدرت در بسـیاری از شـهرهای ایـران بـه حیـات خـود ادامـه می دهـد. این الگـوی مشـارکت حـول خـود تشـکل-های مردمـی از جملـه کانونهـا و هیات های مذهبی، کانـون های قرض الحسـنه و غیره را شـکل داده اسـت و امروزه فعالیت در چارچـوب ایـن کانـون هـا انجـام می گیرد.

۲. الگـوی دوم مشـارکت، مشـارکت جدیـد و یـا مدنی اسـت. در این الگو، مشـارکت بر اسـاس محرکی اسـت کـه افـراد را به فعالیـت وا می دارد. ایـن محرک معمولا از جانـب سـازمان هـای دولتـی بـرای جلـب و افزایش مشـارکت مـردم در امـور مختلـف در قالـب برنامه های خـاص وارد مـی شـود. این الگو مـی تواند اجبـاری و یا داوطلبانـه باشـد (همـان؛ ص ۵۱). این الگـو حول خود سـازمان های متعددی را شـکل داده اسـت که از جمله آنهـا مـی تـوان به شـوراها، شـورایاری های محلـه ایی، سـازمان هـای مـردم نهـاد و غیره اشـاره کـرد. تجربه و سـابقه ایـن الگـوی مشـارکتی در اداره شـهرها را مـی تـوان بـه زمان مشـروطیت و برپایی انجمـن های بلدی نسـبت داد (مهابـادی، ۱۳۸۰، ص ۲۳۶).

پـس از پیـروزی انقـلاب اسـلامی از انجـا کـه یکـی از اهـداف عمـده انقـلاب تـلاش بـرای افزایش مشـارکت مـردم در امـور شـهر بـود، بـر این اسـاس و بـا توجه به نقـش موثر سیاسـت عـدم تمرکـز در اداره امور عمومی و ضـرورت سـپردن امـور محلی به دسـت مـردم محل، تشـکیل شـوراهای اسـلامی مردمـی مـورد توجـه قرار گرفت و برای تامین مشـارکت مردم در پیشـبرد سـریع برنامـه های توسـعه جایـگاه ویژه ایی در قانون اساسـی بـه خـود اختصاص داد. در قانون اساسـی «اصول سـوم و هفتـم و صـدم» دربـاره شـوراها بحـث کـرده و بـه روشـنی اداره امـور کشـور را بـا اتـکا بـه آراء عمومـی و مشـارکت مـردم امکان پذیر دانسـته اسـت. سـازمان ها و انجمـن هـای غیردولتی در «اصل ۲۶ قانون اساسـی» و «مـاده ۹۸ قانـون برنامه چهارم توسـعه» مـورد تاکید قـرار گرفتـه اسـت. سـازمان های غیردولتـی از جملـه سـازمان های تـازه تاسـیس و نوپـا هسـتند و دارای ویژگیهایـی هسـتند کـه انها را از سـازمان هـای دولتی متمایـز می سـازد که عبارتنـد از:

الف- سـازمان هـای غیر دولتـی با مشـارکت داوطلبانه شـهروندان شـکل مـی گیرنـد، یعنـی روش شـکل گیـری و اداره آنهـا توسـط گروهـی از مـردم و بـه شـکل داوطلبانـه اسـت؛ ب- سـازمان های غیـر دولتی متشـکل از افـرادی هسـتند کـه انگیـزه بالایـی بـرای فعالیت گروهی در راسـتای هدف مشـخصی هسـتند و فعالیـت آنها معطوف به منافع همگانی اسـت. سـازمان غیرانتفاعـی، خدمت مدار و توسـعه محـور که در جهت منافـع افراد جامعه عمل مـی نماید؛ ج- سازمان های غیـر دولتـی غالبـا بـه دنبـال سـود بـه معنـای درآمـد زایی نیسـتند و اکثـرا به اصطلاح غیر انتفاعی هسـتند. سـازمانی کـه از نظر سـاختاری انعطاف پذیـر و مردمی اسـت و بـدون منفعـت طلبـی در جهـت ارائـه خدمات بـه جامعـه تلاش مـی کنـد؛ د- غالبا این سـازمان ها با توجـه بـه اهـداف ویژه ایـی تعریـف می شـوند و هدف آن توانمندسـازی افـراد جامعـه اسـت؛ ه- سـازمانی که بـه هیـچ حزب سیاسـی وابسـته نبـوده و به طـور کلی متعهـد بـه خدمت برای توسـعه و رفاه اجتماعی اسـت؛ و- سـازمان هـای غیر دولتـی با اراده دولت ها تاسـیس نشـده و توسـط دولـت هـا مدیریت نمی شـوند.

مزیـت ایـن سـازمان ها بـر سـازمان های دولتـی در ایـن اسـت کـه ایـن سـازمان ها می تواننـد مـردم فقیر و افـراد آسـیب دیده و در معـرض آسـیب را در سـطح محـدود محلـه، روسـتا و غیـره شناسـایی کـرده و بـه آنهـا کمـک نماینـد. ایـن سـازمان ها بـه دلیـل ماهیت داوطلبـی خـود بـا هزینه هـای کمتـر، بهتریـن کارایی

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-15]

را در خدمت‌رسانی دارند سازمان‌های مردم نهاد به‌وسیله کار با گروههای جامعه مشارکت محلی را ارتقا می بخشند و بر ابتکارات خودیاری محلی و کنترل برنامه ها تاکید دارند و نهایتا این سازمان ها متناسب با نیازها و شرایط محلی نوآوری می کنند و خود را با آنها تطبیق می دهند.

مشارکت و سازمان های غیر دولتی

سازمان های غیر دولتی که به طور مخفف NGO خوانده می شود، در ایران با نام سازمان های مَردُم‌نَهاد یا تشکل های غیر دولتی شناخته می شوند. سازمان‌های مردم‌نهاد، اساسا با تاکید بر سه اصل داوطلبانه، غیر انتفاعی و غیر سیاسی تشکیل و تاسیس می گردند و بودجه آن‌ها از راههای ذیل تامین می‌شود:

«کمک و هدایای مردمی؛ وقف؛ کمک‌های مالی از سازمان‌های دولتی و غیردولتی؛ کمک‌های مالی از سازمانهای بین‌المللی (با رعایت مقررات مربوطه)؛ وجوه حاصل از فعالیتهای سازمان و انجام پروژه در چارچوب اهداف و اساسنامه و آیین نامه سازمان؛ حق عضویت در سازمان.»

ویژگی های تشکل های داوطلب مردمی

تشکل‌های غیر دولتی برای ادامه فعالیت خود نیازمند ویژگی‌هایی هستند که ضامن بقا و موفقیت آنهاست. رئوس این ویژگ ها عبارتند از:

۱. عضویت در آنها داوطلبانه و اختیاری است.

۲. تعیین اهداف در آنها براساس تعامل میان اعضا صورت می گیرد.

۳. اعضای آنها روابط افقی و مبتنی بر برابری حقوق با یکدیگر دارند.

۴. کمترین وابستگی را به نهادهای صاحب و اعمال کننده قدرت سیاسی در جامعه یعنی دولت دارند.

۵. برای کسب سود و منفعت فعالیت نمی کنند بلکه اهداف غیر انتفاعی مانند کمک به فقرا، توجه به محیط زیست، بهداشت و غیره را دارند.

۶. به عنوان یک میانجی یا واسطه میان دولت و مردم یا حامیان و گروه های هدف عمل می کنند.

۷. مولد سرمایه اجتماعی که از عناصر ضروری برای دستیابی به توسعه اقتصادی و اجتماعی و عملکردمطلوب نهادهای دموکراتیک است، می باشند.

بنابراین، تشکل (غیردولتی) داوطلب مردمی عبارت از نهادهای مستقل، بدون وابستگی به دولت و غیرسیاسیاست که توسط افراد خیرخواه و بشردوست اداره می شود. اعضای تشکل برای انجام هدفی مشترک و معین گرد هم آمده‌اند تا خدمات مشخصی را به صورت داوطلبانه و غیرانتفاعی انجام دهند و نسبت به مردمی که برای خدمت به آنها اعلام موجودیت نموده‌اند، همراه با احساس مسئولیت پاسخگو باشند.

مدیریت محیط زیست و اهداف سازمان های غیر دولتی

با توجه به تعاریفی که از سازمانهای غیردولتی انجام شد، اهداف آنها را می توان به طور خلاصه به شرح زیر دانست: توانمند ساختن شهروندان برای رفع مشکلات خویش به ویژه گروههای محروم؛ سازمان دهی و نهادینه کردن مشارکتهای شهروندان؛ ارائه مشاوره به نهادهای دولتی؛ توجه به محیط زیست، کاستن آلودگیهای زیست‌محیطی و کنترل منابع؛ ایجاد ائتلاف بین گروههای کوچک مردم در زمینه های بهداشتی، محیط زیست و مانند آنها؛ کاربرد روشهای موثر و کارآمد در انجام امور؛ اشتغال زایی برای فقیران؛ افزایش آگاهی در میان شهروندان از طریق برنامه هایی مانند برنامه ریزی خانواده؛ کاهش هزینه های انجام امور؛ تشویق ثروتمندان در کمک به فقرا؛ کاهش آلام فقرا، انجام خدمات رفاهی و خیریه ای برای محرومین و معلولین مانند توزیع خوراک.

طبقه بندی تشکل های داوطلب مردمی در ایران

سازمانهای غیردولتی را می توان از نظر جهت گیری، سطح عملیات، دامنه فعالیت، موضوع و نوع فعالیت و گروه های هدف طبقه بندی نمود:

۱. سازمان های غیر دولتی از نظر جهت گیری: «الف-

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-15]

جهت گیـری خیرخواهانـه»: ایـن نوع سـازمان ها اغلب در فعالیت هـای پدرسـالارانه از بـالا بـه پاییـن، درگیـر می شـوند و بـه هدایـت فعالیتهایـی از قبیـل بـرآوردن نیازهـای فقـرا، توزیع خوراک، پوشـاک یـا دارو، تدارک مسـکن، حمـل و نقـل، مدرسـه می پردازنـد. چنیـن سـازمانهایی ممکـن اسـت در جریـان مصائـب طبیعی و انسـان سـاخت نیـز، فعالیت هـای امـدادی بـه عهده بگیرنـد؛ «ب- جهت گیـری خدماتـی»: فعالیـت ایـن دسـته از سـازمانهای غیردولتـی در حـوزه بهداشـت، برنامه ریـزی خانـواده و یـا خدمـات آموزشـی تعریـف می شـود کـه در ایـن فعالیتها سـازمان مربوطـه برنامه را طراحـی می کنـد و انتظـار مـی رود کـه مـردم در اجـرای آن و نیز دریافت خدمات مشـارکت کنند؛ «پ- جهت گیـری مشـارکتی»: در ایـن جهت گیـری مـردم محلـی بـا کمک هـای نقـدی، ابـزارکار، زمیـن، مـواد، نیـروی انسـانی و غیـره در پـروژه هـای خودیـار درگیر مـی شـوند. در پـروژه های توسـعه محلی، مشـارکت با تعریـف نیاز شـروع می شـود و در مراحـل برنامه ریزی و اجـرا ادامـه مـی یابـد. تعاونی هـا اغلـب جهت گیری مشـارکتی دارنـد؛ «ت- جهت گیـری توانمندسـازی»: هـدف ایندسـته از سـازمان ها، علاوه بـر کمک به مردم فقیـر بـرای درک شـفاف تر عوامـل اجتماعی، سیاسـی و اقتصـادی، تقویـت آگاهـی آنـان از قدرت بالقوه شـان بـرای کنتـرل زندگـی خود می باشـد.

۲. سـازمان های غیـر دولتـی از نظـر سـطح عملیـات: «الـف- سـازمان های معطـوف بـه اجتمـاع محلـی» : ایـن نـوع سـازمان ها از ابتکارهـای خـود مـردم نشـأت می گیرنـد. باشـگاه های ورزشـی، سـازمان هـای زنان، سـازمان هـای همسـایگی و سـازمان های مذهبـی یـا آموزشـی را شـامل می شـوند و از تنـوع زیـادی برخوردارنـد کـه تعـدادی از آنها از سـوی سـازمان های غیـر دولتـی ملـی یـا بیـن المللـی یـا کارگزاری هـای دو جانبـه حمایـت مـی شـوند و برخـی دیگـر از آن هـا از کمـک خارجـی (دیگـران) بـی نیازنـد. تعـدادی از آنهـا بـرای ارتقـای آگاهـی فقـرای شـهری یـا کمک بـه آنـان در فهـم حقـوق شـان بـرای دسـتیابی بـه خدمـات مـورد نیـاز فعالیـت می کننـد. سـازمان های معطوف بـه اجتماع محلـی، طبق سـند UNDP2000، بـه سـازمان هایـی گفتـه می شـود که معمولا توسـط داوطلبـان تجهیـز مـی شـوند، بومـی، یعنـی متکی به سـنت ها یا کارآفرینـان اجتماعـی درون اجتماع محلی هسـتند،کوچک، غیررسـمی و متکـی بـر منابـع خـود مـی باشـند. ایـن سـازمان ها با منافـع دو جانبـه، اغلب بـه منظـور بهبـود درآمد اعضای خود تاسـیس شـده و دربرگیرنـده فقـرا و افـراد فاقـد قدرت اسـت.(UNDP, 8.Ibid,P)؛ «ب- سـازمان های شـهر مقیـاس»: سـازمانهای غیردولتـی را کـه در مقیـاس یـک شـهر فعـال هسـتند دربرمی گیـرد. برخـی از ایـن سـازمانها بـه خاطـر اهداف دیگـری شـکل گرفته اند و بـه عنوان یکـی از فعالیتهـای خـود در کمـک به فقـرا درگیر می شـوند، در حالـی کـه برخی دیگـر از آنها صرفـا با هدف کمـک بـه فقرا راه اندازی شـده اند؛ «پ- سـازمان های غیردولتـی ملـی»: این نوع سـازمانها، در محـدوده یک کشـور فعالیت مـی کنند. سـازمانهای غیـر دولتی ملی از سـطحی میانی حکایت دارند و به عنوان سـازمانهای فرامحلـی، تعـدادی از سـازمان های غیـر دولتی محلی را کـه اهـداف کـم و بیش مشـابهی دارند گـرد هم می آورنـد. سـازمان های غیـر دولتی ملـی، سـازمانهایی از قبیـل کمیتـه بیـن المللـی صلیب سـرخ و سـازمانهای حرفـه ای و غیـره را شـامل مـی شـوند. جمعیت هلال احمر و جبهه سـبز ایران از این نوع سـازمانها هسـتند؛ «ت- سـازمان های بین المللی»: سـازمان هایی هستند کـه حـوزه خود را عـلاوه بر کشـور مبدا در سـایر نقاط دنیـا نیـز بـه عنـوان کشـورهای تحـت پوشـش تعریف می کنـد. ایـن سـازمانها در نوع خـود اغلـب کارگزاران قـوی و موثـری هسـتند. چنیـن سـازمان هایی نوعاً در کشـورهای توسـعه یافتـه اداره و رهبـری مـی شـوند و عملیـات خود را در بیش از یک کشـور در حال توسـعه انجـام مـی دهنـد. (10.cousins wilim.Ibid)

۳. طبقه بنـدی سـازمـان های غیردولتـی از نظـر دامنـه فعالیـت: مسـاجد، تکایـا، هیات‌هـای مذهبـی و قهوه خانه‌هـا را نهادهـای غیردولتـی سـنتی

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-15]

قدیمی می‌دانند و پس از آن صندوق‌های قرض الحسنه، خیریه‌ها، انجمن‌های اسلامی و حتی دوره‌های فارغ‌التحصیلی در دوران بعدتر و سپس اتحادیه‌ها، اصناف و نظام‌های صنفی و مهندسی و غیره، شکل‌های جدیدتر سازمان-های غیردولتی یا مردم‌نهاد می باشند. بنابراین سازمان‌های غیردولتی را به لحاظ قدمت و نوع و دامنه فعالیت به دو گروه سنتی و مدرن طبقه بندی می کنند: «الف- تشکل های سنتی»: داشتن ارتباط مستحکم و مداوم با مردم؛ اتکا به کمکهای مردمی و خصوصی برای تأمین نیازهای مالی؛ تأکید بر نیازهای مبرم مردم؛ ارائه خدمات مشخص و ملموس؛ مقاومت و دوام در برابر فشارها و محدودیتهای دولتی و محیطی (با اتکا به نیروی ایمان مذهبی)؛ «ب-تشکل های نوین» (مدرن): از نظر تعداد رو به افزایش هستند؛ اکثراً اتکا و وابستگی زیادی به دولت دارند؛ بیشتر به روندهای بین المللی تکیه می کنند و کمتر به نیازهای مردم؛ برخی از آنها از ظرفیتهای بالای فنی برخوردار هستند؛ اکثر آنها با زبان و رفتار دولت و مؤسسه های بین المللی آشنا هستند. موضوع و نوع فعالیت سازمان های غیردولتی و گروه های هدف آن ها از تنوع بسیار زیادی برخوردار است: کارگزاریهای امدادی و رفاهی؛ سازمانهای نوآور فنی ؛ پیمانکاران خدمات عمومی؛ کارگزاریهای توسعه مردمی ؛ سازمانهای خودجوش توسعه؛ گروهها و شبکه های مدافع

وضعیت موجود سازمان های غیردولتی

نهادها و تشکل های مردمی را می توان در دو گروه سنتی و مدنی طبقه بندی کرد. اطلاعات دقیقی از نهادهای مردمی سنتی به دلیل غیررسمی بودنشان در دست نیست اما از سازمان های مدنی و یا از سازمان های غیر دولتی به خاطر بعد رسمی و ثبت آنها می توان اطلاعات نسبی ارائه کرد. سازمان های غیردولتی را می توان بر اساس معیارهای گوناگون از جمله فعالیت، موضوع فعالیت و سطح فعالیت به گونه های مختلفی تقسیم کرد. بانک جهانی این سازمان ها را به دو گونه سازمان های اجرایی و ترویجی طبقه بندی کرده است:

۱. سازمان های اجرایی بر اساس گستره فعالیت به چهار دسته سازمان های غیردولتی محله محور، سازمان های غیردولتی شهر مقیاس، سازمانهای غیردولتی ملی و سازمان های غیردولتی بین المللی تقسیم می شوند.

۲. سازمان های ترویجی به موضوع فعالیت سازمان ها اشاره دارد.

«کلارک» بر اساس فعالیت، سازمان های غیردولتی را به شش گروه:

۱. سازمانهای رفاهی،

۲. سازمانهای فعال در زمینه نوآوری های فنی،

۳. پیمانکاران خدمات دولتی،

۴. سازمانهای توسعه که حول محور خودیاری، توسعه اجتماعی و ایجاد دموکراسی فعالیت دارند،

۵. سازمانهای حمایت از فقرا و

۶. گروهها یا شبکه های حمایتی تقسیم می کند.

بر اساس موضوع فعالیت، سازمان های غیردولتی را می توان به چهار دسته:

۱. «سازمانهای تبلیغاتی»،

۲. «سازمانهای تخصصی»،

۳. «سازمانهای عام» و

۴. «سازمانهای بشردوستانه» طبقه بندی کرد.

به لحاظ جهت گیری سازمان های غیردولتی را می توان در چهار گروه:

۱. «جهت گیری خیریه»،

۲. «جهت گیری خدماتی»،

۳. «جهت گیری مشارکتی» و

۴. «جهت گیری توانمندسازی» طبقه بندی کرد.

سازمانهای غیردولتی با ایفای نقشهای نظارتی، بسیج، جذب و هدایت منابع انسانی، مادی و معنوی می توانند بهترین نمود از مشارکت مردمی باشند که با انسجام بخشی به گروههای انسانی هم هدف، راه گشای دستیابی به اهداف توسعه پایدار در منابع ملی باشند. سازمانهای غیردولتی در کنار بخش

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-15]

خصوصی و دولت، رکن سوم توسعه پایدار را تشکیل می دهند. [1]

بر اساس اطلاعات مرکز آمار ایران در سال ۱۳۸۳، ۷۹۵۳ سازمان غیردولتی در ایران فعالیت داشتند که ۵۳ درصد آنها به ثبت رسیده و ۴۷ درصد به ثبت نرسیده است. ۸۹ درصد سازمان ها دارای مجوز و ۱۱ درصد بدون محوز بودند. ۹۲ درصد دارای فعالیت مستمر و ۸ درصد دارای فعالیت غیرمستمر هستند. ۱۶ درصد سازمان های فعال در کشور در تهران مشغول فعالیت هستند که ۷۱ درصد انها به ثبت رسیده و ۲۹ درصد ثبت نشده اند. همچنین ۹۱ درصد دارای مجوز و ۹ درصد بدون مجوز هستند. تعداد نیروی انسانی فعال در سازمان های غیردولتی در کل کشور ۲۹۱۲۷۱ نفر است که از این تعداد ۱۴ درصد به صورت پاره وقت و ۸۶ درصد به صورت تمام وقت مشغول به فعالیت در سازمان هستند. ۴۹ درصد فعالان از زنان و ۵۱ درصد ازمردان است. از کل نیروی انسانی فعال در سازمان های غیردولتی ۲۲ درصد دارای تحصیلات زیر دیپلم، ۳۷ درصد دیپلم و فوق دیپلم، ۳۲ درصد لیسانس و فوق لیسانس، ۸ درصد دکتری و ۱ درصد دارای تحصیلات حوزوی هستند. تعداد نیروی انسانی فعال در سازمان های غیردولتی در تهران ۸۷۴۳۹ نفر (معادل ۳۰ درصد نیروی انسانی کل کشور) است که ۶۲ درصد آنها از فعالان زن و ۳۸ درصد از فعالان مرد است. ۱۵ درصد به صورت تمام وقت و ۸۵ درصد به صورت پاره وقت مشغول به فعالیت هستند.

اطلاعات موجود نشان می دهد که در کشور ما به دلیل زمینه های ریشه دار فرهنگی و اجتماعی، بیشترین زمینه های فعالیت سازمان های غیردولتی در حوزه های اجتماعی و خیریه و حمایتی است. بنابراین ظرفیت های مناسب در این زمینه ها در سازمان های غیردولتی وجود دارد که می توان آنها را در راستای «بهبود وضعیت زیست محیطی» بسیج کرد.

مشارکت در مدیریت زیست محیطی

به دنبال طرح مقوله مشارکت و محافظت از محیط زیست و رواج فرهنگ زیست محیطی نظریه‌ها و دیدگاه‌های گوناگونی مطرح گردیده است. در ادامه به اختصار نظریات مهم و مرتبط شامل «نظریه‌های جامعه‌شناختی محیط‌زیست»، «نظریه جمعیت شناختی»، «نظریه‌های آموزشی»، «نظریه‌های فرهنگی» و «نظریه اکوفمنیست» بیان می‌شود[2]:

۱.«نظریات جامعه شناختی»: با توجه به تحولاتی که در سالهای اخیر صورت گرفته رابطه جامعه شناسی و محیط زیست شهری نزدیک‌تر شده و جامعه‌شناسان در نظرات خود به محیط زیست شهری و ارتباط آن با انسان و جامعه پرداخته‌اند. برای نمونه به نظر مارکوزه می‌توان اشاره داشت. مارکوزه معتقد است "تفکر و عمل باید تغییر یابد، تغییر دیدگاه کمی و مصرف‌مداری به زیبایی شناختی، اساس این دگرگونی می‌باشد. وی جنبش زیست محیطی را جنبش رهایی بخش سیاسی و روانشناختی می‌بیند". همچنین نظریات مختلفی وجود دارد که نشان‌دهنده ارتباط عوامل اجتماعی و فرهنگی با ارتقاء محیط زیست شهری می‌باشد. از

۱. سازمان های غیردولتی در ایران در عرصه های متنوعی فعالیت می کنند. ۳۱ درصد در حوزه آموزشی، ۲۶ درصد در حوزه اجتماعی و مشخصا ۸ درصد از آنها در حوزه آسیب دیدگان اجتماعی، ۳ درصد در زمینه ادبی، ۱۰ درصد در زمینه بهداشت و درمان، ۱۹ درصد در حوزه های مالی و قرض الحسنه، ۷ درصد در زمینه توان بخشی، ۲۲ درصد در زمینه های حمایتی، ۱۳ درصد در زمینه علمی و پژوهشی، ۳ درصد در زمینه عمران و آبادی، ۳۷ درصد در حوزه فرهنگ، ۸ درصد در امور گردشگری، ۸ درصد در زمینه محیط زیست، ۱۴ درصد در زمینه های مذهبی، ۲۵ درصد در زمینه امور خیریه، ۱۰ درصد در حوزه ورزش، ۱۱ درصد در حوزه هنر مشغول به فعالیت هستند. حوزه های فرهنگی، اجتماعی، آموزشی، امور خیریه، حمایتی و مذهبی از مهمترین حوزه های فعالیت سازمان های غیردولتی در کشور است. در تهران حوزه های فرهنگی (۳۱ درصد)، اجتماعی (۲۴ درصد) و مشخصا ۶ درصد انها در زمینه آسیب دیدگان اجتماعی، امور خیریه (۲۵ درصد)، بهداشت و درمان (۲۱ درصد)، حمایتی (۲۳ درصد) و علمی و پژوهشی (۲۲ درصد) از مهمترین حوزه های فعالیت سازمان های غیردولتی محسوب می شوند.

۲. برای اطلاعات بیشتر در این زمینه ر.ک: پولادی، ا.، (۱۳۸۹). طرح پژوهشی بررسی نقش اجتماعی فرهنگی زنان شهر مشهد در ارتقاء کیفی محیط زیست شهری، مدیریت توسعه و پژوهش شهرداری مشهد.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-15]

آن جملـه می‌تـوان بـه نظریه تقسـیم کار امیل دورکیم اشـاره کـرد. دورکیم جوامـع را به دو نوع تقسـیم کرده و بـرای هـر یـک، همبسـتگی خاصـی را مطـرح کـرده اسـت. «در جوامـع کهـن و گذشـته کـه تقسـیم کار وجـود نداشـته، همبسـتگی مکانیکی خودبخـود حاکم بـوده، امـا در جوامـع جدید و پیشـرفته که تقسـیم کار از مشـخصات آن اسـت، همبسـتگی ارگانیک یا اندامی حاکـم می‌باشـد». بـر طبـق ایـن نظریـه مـردم جامعه امـروزی خود را فقط مسـئول امور مربوط به خودشـان می‌داننـد و بـرای هـر کاری از نهـاد، واحـد یـا شـخص به‌خصوصـی انتظـار دارنـد و همین مسـئله در خصوص مسـائل محیط زیسـت شـهری نیـز حاکم اسـت. یعنی آنچـه مربـوط بـه محیـط زیسـت شـهری می‌باشـد، جـزء وظایـف نهـاد یـا سـازمانی خـاص می‌داننـد و به راحتـی از آن حیطـه کنـار می‌کشـند. در واقـع همـان همبسـتگی ارگانیکـی بـر دنیـای امـروز حاکـم اسـت. «فیـش بـاج و آجزین» در دهه ۹۰ بر اسـاس تحقیقات خـود اظهـار داشـتند کـه پایـگاه اجتماعـی، اقتصـادی افـراد در نگـرش آنهـا نسـبت بـه انـرژی و مصـرف آن مؤثـر می‌باشـد و همیـن امـر یـک رابطـه غیرمسـتقیم را بیـن وضعیـت اجتماعـی و اقتصـادی فـرد بـا مصرف انـرژی و اسـتفاده از طبیعـت برقـرار می‌کند. بر اسـاس ایـن نظریـه می‌توان نتیجـه گرفت که پایـگاه اقتصادی و اجتماعـی فـرد بـه نـوع تفکـر و رفتـار وی تأثیـر می‌گـذارد و محیـط و طبیعـت، یکـی از نقـاط دایـره رفتـاری شـخص می‌باشـد.[1]

۲. «نظریـات آموزشـی»: «هانشـل»[2] نشـان داد کـه آمـوزش ضمـن خدمـت محیط زیسـت توأم بـا مطالب تکمیلـی کلاس از نظـر افزایـش اطلاعـات و اتخـاذ گرایشـات مثبـت در قبـال محیـط زیسـت شـهری و آگاهـی از نقـش انسـان در برابر آن، دسـتاوردهای قابل توجهـی را بدنبـال داشـته اسـت. بـا اسـتفاده از ایـن یافته‌هـا می‌تـوان گفـت، معلمینـی کـه دوره آموزشـی ضمـن خدمـت را در آمـوزش محیـط زیسـت شـهری گذرانیده‌انـد، گرایش بیشـتری به توسـعه افـکار مثبت نسـبت بـه موضـوع محیـط زیسـت شـهری خواهنـد داشت.

۳. «نظریـات فرهنگی»: افراد بسـیاری در مورد فرهنگ و تأثیـر آن بـر فـرد و تأثیرپذیری آن، تحقیق و بررسـی کرده‌انـد. امـا نقطـه مشـترک آنهـا تعامـل بین انسـان و فرهنـگ بـوده اسـت. بـه منظـور بررسـی ارتبـاط فرهنـگ بـا رفتـار محیـط زیسـت شـهری و ارتقـاء آن از دو نظریـه اسـتفاه شـده، کـه در ادامـه بـه توضیـح آنهـا پرداختـه می‌شـود. بسـیاری از رفتارهـای آلـوده کننـده محیط زیسـت شـهری ناشـی از تأخـر فرهنگی می‌باشـد. اصـلاح و بـالا رفتـن سـطح فرهنـگ زیسـت محیطـی نـه تنهـا موجـب کاهـش آلودگـی می‌گـردد بلکـه گرایـش مـردم نسـبت بـه کنتـرل و تحت فشـار قـرار دادن عوامـل نهـادی آلودگی نیز افزایـش می‌یابد. عقـب ماندگـی جوامع جهان سـوم، موجـب می‌گردد تا بـرای پیشـرفت، به اقدامات خشـونت‌آمیز دسـت بزنند و همیـن اقدامـات، تعـادل نظـم، طبیعـت و فرهنـگ را بـر هـم می‌زنـد. در نظریـه دوم بـر آداب و رسـوم و عرف‌هـای اجتماعـی تأکیـد کرده‌انـد.[3] بـر اسـاس این نظریـه چهارچـوب نـگاه انسـان و دانش آنها نسـبت به جهـان و همچنیـن تصـورات و آرزوها، توسـط محتوای فرهنگی سـاخته می‌شـود کـه در آن زندگـی می‌کنیم. بدیـن طریـق دربـاره جهان، آمـوزش می‌بینیـم. به نظر آنهـا حتـی پاسـخ‌های عاطفـی مـردم، یـک محصـول فرهنگـی شـناخته می‌شـود. براسـاس چنیـن نظراتـی می‌تـوان نتیجـه گرفـت کـه مـردم بـر اسـاس فرهنگ خـود، عمـل می‌کننـد و رفتـار محیط زیسـت شـهری

۱. برای اطلاعات بیشتر در این زمینه ر.ک: (*) بری، ج.، (۱۳۸۰). محیط زیست و نظریه اجتماعی، حسن پویان و نیره توکلی، چاپ اول؛ و (*) کوزر، ل.، (۱۳۷۹). زندگی و اندیشه بزرگان جامعه شناسی. محسن ثلاثی. چاپ هشتم، انتشارات علمی.

2. Hanshel

۳. برای اطلاعات بیشتر در این زمینه ر.ک: پولادی، ا.، (۱۳۸۹). طرح پژوهشی بررسی نقش اجتماعی فرهنگی زنان شهر مشهد در ارتقاء کیفی محیط زیست شهری، مدیریت توسعه و پژوهش شهرداری مشهد.

2. Daniel bautkin

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-15]

انعکاسی از فرهنگ حاکم بر جامعه می‌باشد، با استفاده از عقیده و باور مردم، می‌توان نگرش و رفتار آنها را تغییر داد و این امر در حوزه محیط زیست شهری نیز امکان‌پذیر می‌باشد.

۴. «نظریات جمعیت شناختی»: طبق نظر «بوتکین»[۴] یکی از عوامل ایجاد بحران محیط زیست شهری، جمعیت می‌باشد. از زمان آفرینش انسان، پیوند در جنس زن و مرد نیز همراه آدمی بوده و این پیوند، تولد انسانهای دیگری را بدنبال داشته است و دوباره پیوند و دوباره تولد و این چرخه همچنان ادامه داشت و هیچ کس به این موضوع فکر نمی کرد آیا زمین، گنجایش افزایش ساکنینش را دارد؟ در سال ۱۷۹۸ هیچکس همانند «مالتوس» بطور جدی و رسمی، بحران جمعیت را مطرح نکرده بود «اصل نظریه او حول این محور می‌چرخد که علی‌رغم افزایش هندسی جمعیت، منابع غذایی به شکل حسابی، افزایش می‌یابد که نهایتاً در صورت افزایش جمعیت دنیا با کمبود غذا مواجه خواهد شد و این کمبود، سایر منابع را تهدید می‌کند و بقای انسان دچار اختلال می‌شود». با توجه به آنکه میزان جمعیت بر محیط زیست شهری آن منطقه مؤثر است، باید با اجرای برنامه‌ریزی‌های صحیح از افزایش جمعیت منطقه جلوگیری کرد.

۵. «نظریات اکوفمنیست»: محیط و طبیعت جزء مواردی می‌باشد که متأثر از رفتارهای مستقیم و غیرمستقیم مردان و زنان است و تفکر، رفتار و بینش این دو جنس، بر چگونگی و کیفیت محیط زیست شهری، مؤثر خواهد بود. «رزمری رویتر» معتقد است که متصل کردن حرکت زیست بودم شناختی و جنبش فمنیستی، یکی از شروط پیروزی هر دو جنبش می‌باشد. محیط زیست شهری را نمی‌توان به دور از جنسیت مورد بررسی قرار داد. طرفداران جنبش فمنیستی و جنبش طرفداران محیط زیست شهری به منظور برتر نشان دادن نگرش زیست شهری زنان بر مردان، کلماتی مانند زمین بکو، مام زمین، تأکید کرده‌اند، چراکه اینگونه واژه‌ها یادآور جنس زن می‌باشند. نوع دیگری از این نظریه بنام «اکوفمنیسم مقاومتی» بر این عقیده پافشاری می‌کند که فکر زنان بیشتر از مردان در زمینه محیط زیست شهری، فعالیت دارد. در بعضی از مبارزات به‌خصوص از نظر بهداشتی یا معاش و یا مواردی که به سلامت کودکان است، زنان پیشقدم ترند. به‌خصوص در بعضی موارد که شخصاً ذینفع می‌باشند، مثل کنترل موالید و جمعیت. حتی زنان در خط مقدم بسیاری از مبارزات زیست محیطی، حضور دارند. در این خصوص می‌توان به «جنبش چیپکو» در هندوستان که توسط زنان محلی بر علیه الوارسازی تجارتی یا اردوی صلح در گرینهام انگلستان اتفاق افتاده اشاره نمود [۶]. نقش زنان در دفاع از محیط زیست شهری به‌خصوص در جاهایی که ذینفع هستند، مانند تولید مثل و جمعیت، بیشتر از مردان مشاهده شده است. اکثراً بر این عقده پافشاری می‌کنند که برای جلوگیری از ظهور مسائل محیط زیست شهری در کشورهای رو به توسعه، دادن حقوق و اختیارات تولید مثل به زنان می‌تواند تأثیر بسیار داشته باشد. اکو فمنیسم مقاومتی بر این نکته تأکید دارد که برخی موضوعات زیست محیطی مانند جمعیت، مسائل مربوط به بهداشت و کودکان از لحاظ پشتیبانی اجتماعی، بیش از موضوعات دیگر، جنبه جنسیتی دارد [۷]. براساس نظریه‌های مطرح شده، می‌توان نتیجه گرفت که رفتار زیست شهری بین مردان و زنان تفاوت دارد و زنان می‌توانند نقش مفیدتری در حفظ محیط زیست شهری داشته باشند.

سطوح مشارکتی در مدیریت زیست محیطی

۱. «سطح اول: مشارکت از نوع مشاوره‌ای»: این همکاری و مشارکت با هدف مبادله اطلاعات بین سازمان های دولتی و غیردولتی انجام می گیرد. در این مشارکت؛ روابط و مناسبات سازمان های مردم نهاد با سایر سازمانها گسترش می یابد. برای عملی کردن این سطح از مشارکت، دو طرف با برگزاری سمینارها، کارگاه های آموزشی،

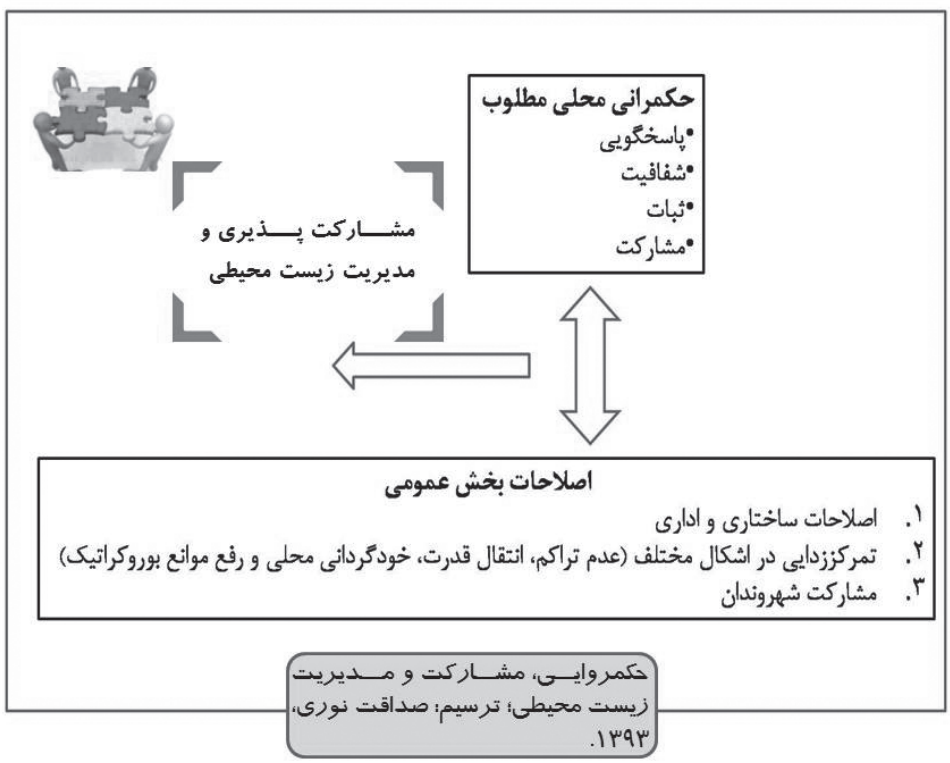
[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-15]

گردهمایی های مشورتی و امثال آن افکار و ایده های خود را با یکدیگر مبادله می کنند. به این ترتیب، آنان از نقطه نظرات یکدیگر درباره مسائل مشترک موردبحث، مطلع می شوند. از عوامل ارزیابی میزان عملی شدن این سطح از مشارکت، استمرار در فعالیتهای مشترک، تسهیم هزینه ها، بازبودن و گشودگی محیط جلسات، (به نحوی که حق اظهارنظر و مبادله اطلاعات به هر دو طرف داده شود) و همکاری و تشریک مساعی است.

۲. «سطح دوم: مشارکت از نوع هماهنگ سازی»: این سطح از همکاری و مشارکت با هدف هماهنگ سازی فعالیت ها انجام می گیرد. این همکاری باعث کارایی بیشتر سازمان ها در مواجهه با مسایل پیشرو می گردد. این نوع مشارکت معمولا در بروز حوادث غیرمترقبه نظیر بلایای طبیعی و یا آتش سوزی انجام می گیرد. این سازمانها با ایجاد کمیته های مشترک می توانند در یاری رسانی به مردم نقش اساسی ایفا می نمایند.

۳. «سطح سوم: مشارکت در کنار یکدیگر و تکمیلی»: در این سطح از مشارکت، دو طرف مشارکت- سازمان های دولتی و غیردولتی- با حفظ استقلال ایده ها و دیدگاه های خود، با تعریف چارچوب و برنامه ای مشترک، تلاشهای هدفمند خود را برای حمایت از یکدیگر مشخص و پیگیری می کنند. در این سطح هریک از دو طرف دارای علایق متفاوتی هستند ولی برای دست یابی به کنشی مشترک، این علایق را هدایت و برنامه ریزی می نمایند. تعریف و برنامه ریزی شیوه انجام و تحقق بخشیدن به اهداف مشترک، تدوین راهکارهای حمایتی، توسعه توان و ظرفیتهای دو طرف، از زمینه هایی اساسی می باشند که در این سطح از مشارکت لازم است.

۴. «سطح چهارم: مشارکت از نوع عملگرایی»: در این سطح از روابط، هردو طرف نسبت به همکاری میان یکدیگر، تسهیم در یک دیدگاه مشترک، اتخاذ اهداف مشترک، اجرای طرحهای عملی در سطوح یک برنامه و امثال آن با یکدیگر همکاری و اتفاق



نمودار ۵. رابطه حکمرانی محلی مطلوب، مشارکت و مدیریت زیست محیطی؛ ماخذ: نگارندگان.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-15]

نظـر دارنـد. روابـط و مکانیزم هـای اسـتفاده شـده در ایـن سـطح از مشـارکت در جهت تسـهیل دسـت یابی بـه اهـداف جمعـی نهادینـه شـــده انـد. هـدف این سـطح از همـکاری، برنامـه ریزی بلندمدت پـروژه های مشـترک و پیگیـری برنامـه مصـوب بـه طـور همـگام و مسـتمر بااتخـاذ روش تصمیـم گیـری مشـترک در پیشـبرد آنها اسـت.

۵. «سـطح پنجـم: مشـارکت از نوع نهایـی»: این رابطه احتمـالاً بالاتریـن شـکل و سـطح از همـکاری میـان سـازمانهای غیردولتـی و دولتی را شـامل می شـود که در آن هـر دو طـرف یکدیگـر را بـه عنـوان بخشـهای لازم و ملـزوم در فراینـد توسـعه و دسـتیابی بـه اهداف و دیدگاههـای مشـترک می بیننـد. در ایـن سـطح از همـکاری هردوسـازمان بـا یکدیگـر براسـاس نظـم و ترتیبـی پایـدار و بلندمـدت و اسـتراتژیک و باتوجـه بـه جنبـه هـای مختلـف زندگـی سیاسـی، اجتماعی و اقتصـادی کار مـی کننـد. در ایـن سـطح از مشـارکت، سـازمانهای غیردولتـی بـه منابـع دولتـی امـکان دسترسـی دارنـد و بـه ایـن سـازمانها، فرصـت و امکان مشـارکت کافـی و مـورد درخواسـت آنهـا در تنظیـم و برنامـــه ریزی سیاسـتها و فرایند تصمیم گیری محلی و ملـی داده شـده اسـت. هـدف از ایـن نـوع همـکاری برنامـه ریـزی، تصمیـم گیـری و اجـرای امور به شـیوه اسـتراتژیک می باشـد. مشـخصه این شـیوه مشـارکت و همـکاری، نهادینـه شـدن روابـط کاری بیـن آنهـا در بلندمدت اسـت که این روابط در بیشـترین جنبـــــه هـای زندگـی جمعـی، سیاسـی، اجتماعـی، اقتصـادی قابـل پیگیـری و مشـاهده مـــی باشـد. بدیـن ترتیـب مـی تـوان گفت که سـازمان هـای دولتـی و غیردولتی بـا توجـه بـه اهـداف و اسـتراتژی هـای سـازمانی خود می تواننـد همکاری خـود را در سـطوح مختلف تعریف نما یند.

نتیجه گیری و جمعبندی

شـناخت سـازمان های غیردولتـی یـا مـردم نهـاد، ویژگی های آنها، اهداف و نوع و زمینه فعالیت هایشـان، لزوم بکارگیری سـازمان های غیردولتـی در حکمروایی شـهری را تاحـد زیادی تبیین می کند. بـرای اداره امور عمومـی شـهری دو پارادایم (سرمشـق) وجـود دارد. در پارادایـم نخسـت کـه «حکومت» نـام دارد، شـهرداری مسـئوولیت تمـام امـور را بر عهده گرفته، موظف اسـت تـا تمامـی خدمـات را بـرای مصـرف جامعـه مدنـی یـا شـهروندان فراهـم کند. این پارادایم به سـبب مسـائلی ماننـد پیچیدگـی روزافـزون زندگـی و کاهـش تـوان مدیریـت هـا در حل مسـائل شـهری و از بین بـردن یا تضعیـف قـوه اسـتقلال و ابتـکار عمل شـهروندان مورد چالـش هـای جدی قـرار گرفتـه اسـت. در پارادایم دوم که«حکومتـداری» یـا «حکومت مـردم دار» نـام دارد، بازیگـر عرصـه توسـعه و اداره امـور عمومـی دیگـر تنها دولت نیسـت.

در کنـار دولـت اعـم از ملـی و محلـی، دو بازیگـر بـه نـام هـای «جامعه مدنـی» و «بخش خصوصـی» وجود دارنـد. ایـن سـه بازیگـر بایـد بـا شـراکت بـا یکدیگـر بـه حـل چالـش هـای پیچیـده جامعـه و امـور عمومی بپردازنـد. جامعـه مدنـی دربردارنـده سـازمان هـای غیـر دولتـی گروه هـا و اجتماعـات محلی سـازمانهای داوطلبانـه مردمـی نهادهـای دانشـگاهی و تحقیقاتـی، رسـانه هـای جمعی، گروه های مذهبی و سـازمان های مدنـی اسـت. منابـع ایـن نهادهـای مدنـی در مدیریت شـهری، دارایـی هـای اجتماعـی و فرهنگـی اسـت.

بـا نگاهـی به پیشـینه حرکت هـای مردمـی در ایران و شـناخت حـوزه های مشـارکت و عدم مشـارکت مردم، علـت غیـر مشـارکتی خوانـدن جامعـه ایران بـه خوبی مشـخص می گـردد. در ادامـه به برخی از پیشـنهاداتی کـه نظـام مدیریت مطلوب شـهر یا حکمروایی شـهری بایـد و شـاید مـی توانـد بـا بهـره گیـری از ارگانهـا و سـازمان هـای مـردم نهـاد در بهبـود کیفیـت زندگـی مـورد توجـه قـرار دهـد، عبارتند از:

۱. بـا مشـارکت شـهروندان و سـازمانهای مـردم نهـاد در مدیریـت، احسـاس مالکیـت در شـهروندان محلـی نسـبت بـه طرحهـا و برنامه هـای مدیریتی شـهر ایجاد می شـود، پـس آنهـا وادار به تفکـر می شـوند و از تفکر خـود در جهـت رشـد و بهبـود کیفیـت زندگی شـهر و

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-15]

محلـه خـود اسـتفاده می کنند.
۲. از آنجایـی کـه همـواره مدیـران شـهری بـا تمامـی تجربیات شـان بـر تمامـی جوانـب کارهـا اشـراف و تسـلط کامـل ندارنـد، از ایـن رو شـهروندان و روسـای سـازمانهای مـردم نهـاد محلـی کـه در رابطه بـا اجرای کار همـکاری دارنـد، مطمئنا بهتر از مدیران شـهری در رابطـه با رضایـت و منافع خود می توانند پیشـنهادهای مناسـب داشـته باشند.
۳. بـا اجـرای نظام پیشـنهادات بـه عنوان یـک فرآیند، هم شـهروندان در سرنوشـت خود و شهرشـان شـریک می شـوند و هـم با طرح هـدف های عالـی و بلند مدت بـرای اداره و تدبیـر امـور محلـی باعث مدیریت زیسـت محیطی شـهر شـده و بهبـود فرایندهای مشـارکتی در زمینـه محیط زیسـت را به دنبـال دارد.
بـر ایـن اسـاس بهـره گیـری از عوامـل نهـادی زیـر در زمینـه مدیریـت زیسـت محیطـی شـهر لازم بنظر می رسد:
«عوامل نهادی در مشـارکت زیسـت محیطی»: شـرایط اجـرای مشـارکت برحسـب ویژگی‌هـای هـر جامعـه متنوعنـد، امـا همـه بایـد بـه سـمت برنامه‌هـای واقعی زیسـت محیطـی که مسـتلزم سیاسـت‌گزینی اساسـی اسـت، پیـش رونـد. عـلاوه بـر اراده سیاسـی دولـت در ارتقـا میزان سـطح زیسـت محیطی زندگی در شـهرها، و ابزارهـای قانونـی و نهادهـای مناسـب اجتماعـی (در زمینـه محیـط زیسـت) کـه مکمـل فرآیندهـای سـنتی اداری باشـند، شـرایط دیگـری نیـز دربـاره شـرکت کنندگان باید وجود داشته باشـند. در مجموع؛ «مدیریـت مشـارکتی زیسـت محیطـی» به سـه اقتضا وابسـته اسـت: «سـاختار، جهـت گیـری و فراگـرد»؛ بدین معنـی کـه هـر گاه بنگاهی یـا انجمن مـردم نهاد محلـی برخـی ویژگی‌هـای هـوادار را در قالب سـاختار، جهت گیـری مدیـران و شـهروندان، فراگـرد مشـارکت واقعـی و فراگردهـای تصمیم گیـری باید بـه کار گرفته شـوند، آشـکار سـازد، احتمـال کامیابی فزونـی خواهد یافت.
الـف- سـاختار: آشـکارترین متغیـر سـاختاری انـدازه و بزرگـی سـازمان های مشـارکتی خاصـه در مقولـه مشارکتهای زیسـت محیطی است. سازمانهای کوچکتر در بـه کار انداختن مدیریت مشـارکتی کامیاب ترند. در واحدهـای کوچکتـر تماس‌هـا چهره به چهره شـدنی تر اسـت، پیوندهـا خصوصی تـر هسـتند، تصمیم گیـری می‌توانـد بی درنگ تـر مسـؤولانه شـناخته شـود، و هم آهنگـی در زمینـه فعالیتهـای زیسـت محیطـی آسـانتر می‌گـردد. بـر همین پایـه، در واحدهـای بزرگ مشـارکت بایـد تحت سـاختاری فشـرده تـر و دورتر از دسـترس همـگان باشـد، گـر چـه زنجیـره از گروه‌های کوچـک بـه صـورت «گیرنده‌هـای پیونـده» در هر رده بالاتـر سـازمانی می‌توانـد یـک روش از میان بـردن این دشـواری باشـد. بـا ایـن همـه، در بخـش سـازمان های بـزرگ بـه نـدرت می‌تواننـد چنیـن زنجیـره‌ای از گیره‌هـای پیونـد میـان گروه‌هـای کوچـک را فراهـم آورند. فن شناسـی و فراگرد فعالیتهای زیسـت محیطی در حـوزه ابعـاد و سـطح نیز بر سرنوشـت مشـارکت اثر می‌گذارنـد. ایـن اثرهـا را می‌تـوان بـه چهـار دسـته عمـده از مقتضیـات بخـش کـرد: ۱) هـرگاه فراگـرد فعالیتهای زیسـت محیطـی شـهروندان را در واحدهای کار بـه صـورت چهـره به چهـره نزدیک کنـد و نه آنکه آنـان را از هـم جـدا سـازد، مشـارکت مطلـوب خواهـد بـود و خواهـان خواهـد داشـت؛ ۲) مشـارکت در زمینه فعالیتهـای زیسـتی آنـگاه هـوادار پیـدا می‌کنـد کـه سـاختار قدرت درونی شـهر و مدیریت شـهرها و تدبیر امـور محلی بـه صورت خودکامه نباشـد؛ ۳) بهره گیری از انگیـزه هـای فـردی (دینـی و اجتماعی و رسـالتهای فرهنگـی) مـی توانـد در این زمینـه تاثیرگذارتر باشـد؛ ۴) مشـارکت خواهان خواهد داشـت هـر گاه که فراگرد کار را بتـوان جـدا و بـاز کـرد، بـی آنکـه بـرای جمـع وجـور کـردن آن بـه فراگرد پـر زحمـت هماهنگی نیاز باشـد کـه ایـن امر تاکیـدی بر زمینه سـازی مشـارکت زیسـت محیطـی در مقیاس محلی و در سـطح محلات شـهری است.
ب) جهـت گیـری در مشـارکت زیسـت محیطـی: شـهروندان بایـد در جهت مسـاعد در فعالیتهای محیط

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-15]



نظاموارهٔ مشارکتهای زیست محیطی؛ ترسیم؛ نگارندگان، ۱۳۹۳.

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۸ بهار ۹۴
No.38 Spring 2015

زیستی توجیه باشند؛ این نکته بدین حقیقت اشاره دارد که مشارکت تنها یک ابزار عقلانی نیست، بلکه یک فراگرد اجتماعی نیز هست. جهت گیریها و گرایشهای بسیاری وجود دارند که بر کامیابی مدیریت مشارکتی اثر می‌گذارند: «۱. پشتیبانی مدیریتی: مانند همه کوششهایی که برای دگرگونی سازمانی صورت می‌گیرد، مشارکت از نظر نوعی، نیاز به پشتیبانی مدیریت شهری بلندپایه دارد؛ ۲. سبک مدیریتی: سبک کار مدیران شهر در زمینه محیط زیست و بسترسازی در زمینه مشارکتهای زیستی، باید مشارکت جو باشد.

ج) فراگرد در مشارکت زیست محیطی: سومین دسته مقتضیات ضروری و بنیادی به خود فراگرد تصمیم گیری باز می‌گردد. گاهی نیازمندیهای آشکار فراگرد سازمانی، مانند سری بودن کار به طور کلی مشارکت در تصمیم گیری را از میان بر می‌دارد. با توجه به قانونهایی که درباره سری بودن کار به تصویب می‌رسد و حساسیت سازمانهای دولتی درباره آنها، این می‌تواند به خودی خود یک سد و مانع عمده به شمار آید. لذا همانند ساختار، جهت گیریهای شهروندان نیز نمی‌توانند به تنهایی کامیابی مدیریت مشارکتی در زمینه زیست بوم و حفظ و نگهداشت و پالایش آن را فراهم کند.

عوامل گرایشی مشارکت شهروندان در مدیریت زیست محیطی و بهره گیری از توانش های انها، نیز عبارتند از:

علاوه بر بستر نهادی مناسب برای انجام کنش مشارکتی، وجود برخی گرایش‌ها نیز در افراد ضروری است. لذا، برنامه‌ریزی در جهت ایجاد عوامل گرایشی لازم برای تحقق مشارکت در مدیریت انکارناپذیر است. «پی آمد روانشناختی شهروندان» در مدیریت پشتیبان، ایجاد انگزیش و احساس «مشارکت» است که برای شهروندان فراهم می آید و انان را به سمت مشارکت بیشتر سوق می دهد. بر این پایه می‌توان گفت که مشارکت یک درگیری ذهنی و

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-15]

عاطفی شهروندان در موقعیتهای گروهی است که آنان را بر می‌انگیزد تا برای دستیابی به هدفهای گروهی یاری دهند و در مسئولیت کار شریک شوند. در عین حال، در حیطه‌ی شناسایی عوامل گرایشی، صاحب‌نظران و محققان عوامل متعددی را بررسی کرده‌اند که نشان از تعدد این عوامل دارد، برخی متغیرهای مستقل موثر تشخیص داده شده در ایجاد حس مشارکت شهروندان عبارتند از: درآمد، تحصیلات، نژاد، شغل، جنسیت، سن، وضعیت تاهل، کسب پاداش و رضایت، مذهب و ایدئولوژی، استفاده از رسانه ها، پایگاه اجتماعی- اقتصادی، آگاهی اجتماعی و دسترسی به اطلاعات، سنت گرایی و سرنوشت گرایی، ویژگی های شخصیتی، انگیزه ی پیشرفت.

منابع و کتاب شناسی

۱. اردشیری، مهیار، (۱۳۸۳) «تنگناهای ساختاری در نظام برنامه‌ریزی کشور»، مجموعه مقالات همایش مسایل شهرسازی ایران، جلد۳: نظام برنامه‌ریزی، انتشارات دانشگاه شیراز.

۲. اطهاری، کمال (۱۳۸۶) «حاکمیت و ضرورت احیای حوزه عمومی، فصلنامه جستارهای شهرسازی»، شماره ۱۹ و ۲۰، بهار ۱۳۸۶.

۳. اورانجی، مارک، (۱۳۸۷) «برنامه‌ریزی و چرخش پسامدرن: در کتاب آینده برنامه‌ریزی»، مترجم: عارف اقوامی، انتشارات آذرخش، تهران.

۴. آخوندی و دیگران، (۱۳۸۷) «آسیب شناسی مدل اداره شهر در ایران»، مجله پژوهشهای جغرافیایی، شماره ۶۳.

۵. بادکوبی، ا.، م. هادی پور و ش. پور ابراهیم (۱۳۷۹) ارزیابی وضعیت آگاهی آموزگاران مقطع دبستان شاغل در مناطق آموزش و پرورش شهر تهران. فصلنامه علمی محیط زیست. شماره۳۳.

۶. بانک جهانی، (۱۳۷۹) «نقش دولت در جهان در حال تحول»، ترجمه مرکز پژوهشهای اقتصادی، تهران.

۷. برک‌پور، ناصر، (۱۳۸۱) «گذار از حکومت شهری به حاکمیت شهری در ایران»، رساله دکتری شهرسازی، دانشگاه تهران.

۸. برک‌پور، ناصر و ایرج اسدی، (۱۳۸۸) «مدیریت و حکمروایی شهری»، انتشارات دانشگاه هنر، تهران.

۹. پولادی، ا.، (۱۳۸۹) طرح پژوهشی بررسی نقش اجتماعیفرهنگی زنان شهر مشهد در ارتقاء کیفی محیط زیست شهری. مدیریت توسعه و پژوهش شهرداری مشهد.

۱۰. ترنر، مارک و دیوید هیوم، (۱۳۸۴) «حاکمیت، مدیریت و توسعه»، مترجم: عباس منوریان، مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و بازرگانی.

۱۱. تصدیقی، علی، (۱۳۸۳) «نظریه حاکمیت خوب، توانمندسازی دولت»، طرح پژوهشی حاکمیت خوب(۶)، تهران، مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی.

۱۲. حناچی، سیمین و مسیحی، (۱۳۷۸) شهرسازی مشارکتی؛ مشارکت مردمی در برنامه‌ریزی توسعه و مدیریت شهری، دبیرخانه شورای عالی شهرسازی و معماری ایران، ۱۳۷۸.

۱۳. دیکر، کارین و پونالد کمپن، (۱۳۸۵) «حکمرانی شهری در چهارچوب سیاستگذاری شهرهای بزرگ (اهداف و عملکردها در شهر دن‌هاگ هلند)»، مترجم: منیژه لاله‌پور، مجله شهرداریها، شماره۷۵.

۱۴. رحمانی، ب.، (۱۳۸۸) عوامل مؤثر بر مشارکت زنان در حفظ محیط زیست شهری با تاکید بر نگرش اکوفمینیستی، فصلنامه جغرافیایی آمایش. شماره ۷.

۱۵. سرینیواس، ه.، (۱۳۸۰) محیط زیست شهری، سیاست‌گذاری و اقدام. ترجمه و تلخیص سیروس موسوی، تهران. شهرداریها. شماره۳۲

۱۶. سعیدنیا، احمد، (۱۳۷۹) «مدیریت شهری، کتاب سبز شهرداری»، جلد یازدهم، انتشارات سازمان شهرداری‌های کشور، تهران.

۱۷. شریفیان‌ثانی، مریم، (۱۳۸۰) «مشارکت شهروندی، حکمروایی شهری و مدیریت شهری»، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۸.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-15]

۱۸. شفیعی، حسن (۱۳۸۳) «دولت و شوراها در ایران، تحلیل جامعه‌شناختی وظایف انجمن شهر و شهرداری»، ماهنامه شهرداری‌ها، شماره ۶۶، آبان ۱۳۸۳.
۱۹. شکوئی، ح.، (۱۳۷۳) دیدگاه‌های نو در جغرافیایی شهری. جلد اول. تهران. انتشارات سمت.
۲۰. عزیزی، م.، (۱۳۸۰) توسعه شهری پایدار، برداشت و تحلیلی از دیدگاه‌های جهان. صفه. نشریه دانشگاه شهید بهشتی. شماره۳۳.
۲۱. عسکری، علی، کاظمیان، غلامرضا (۱۳۸۵) «شناخت و تحلیل نظام موجود مدیریت مجموعه شهری کشور»، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۱۸، پاییز ۱۳۸۵.
۲۲. علوی‌تبار، علیرضا (۱۳۸۰) «الگوی مشارکت شهروندان درادراه امور شهرها»، جلد دوم، انتشارات سازمان شهرداری‌های کشور، تهران ۱۳۸۰.
۲۳. فاینشتاین، سوزان و نورمن فاینشتاین، (۱۳۸۰)، «برنامه‌ریزی شهری و ارزشهای سیاسی»، مترجم: ناصر برک‌پور، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۵.
۲۴. قلی‌پور، رحمتا...، (۱۳۸۳)، «تحلیل و امکان‌سنجی حکمرانی خوب در ایران (با تأکید بر نقش دولت)»، فصلنامه دانش مدیریت، شماره۶۷.
۲۵. کمانرودی کجوری، موسی، «ضرورت تحول در الگوی مدیریت توسعه محله‌ای شهر تهران»، فصلنامه اقتصاد سیاسی، سال چهارم، شماره ۱۳، ۱۳۸۵.
۲۶. کوزر، ل.، (۱۳۷۹) زندگی واندیشه بزرگان جامعه شناسی. محسن ثلاثی. چاپ هشتم، انتشارات علمی.
۲۷. کاظمیان، غلامرضا، (۱۳۸۳)، «تبیین رابطه ساختار حاکمیت و قدرت شهری با سازمان‌یابی فضا»، رساله دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تربیت مدرس.
۲۸. لاله‌پور، منیژه، (۱۳۸۶)، «حکمروایی شهری و مدیریت شهری در کشورهای در حال توسعه»، فصلنامه جستارهای شهرسازی، شماره۱۹و۲۰، سال ۶.
۲۹. ماژرزاک، آن (۱۳۷۹) روش سیاست پژوهی، ترجمه هوشنگ نایبی، موسسه فرهنگی انتشاراتی تبیان.
۳۰. مبرقعی، ن.، (۱۳۷۵) بررسی تحلیل روند آموزش عالی محیط زیست در ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد محیط زیست. دانشکده محیط زیست. دانشگاه تهران.
۳۱. محمدی، ا.، (۱۳۸۲) بررسی وضعیت مواد زائد در شهر دهلران و رفتار شناسی و آلوده‌سازی محیط زیست. استاد راهنما مهران بهرامی. کارشناس محیط زیست، دانشکده جامع علمی کاربردی. سازمان حفاظت از محیط زیست.
۳۲. مرادی‌مسیحی، واراز، (۱۳۸۴)، «برنامه‌ریزی استراتژیک وکاربرد آن در شهرسازی‌ایران»، انتشارات پردازش و برنامه‌ریزی شهری، تهران.
۳۳. مزینی، منوچهر، (۱۳۷۴)، «مدیریت شهری و روستایی: مشکلات و امکانات آن»، انتشارات سازمان ملی زمین و مسکن.
۳۴. مزینی، منوچهر، «بررسی ساختار مدیریت شهری در ایران»، مرکز مطالعات برنامه‌ریزی شهری، تهران ۱۳۷۸.
۳۵. معصومی اشکوری، سیدحسن (۱۳۸۳) «سلسله مراتب برنامه‌ریزی فضایی در کشور»، در گفتگو با جواد نیکنام، ماهنامه شهرداری‌ها، شماره ۶۶، آبان ۱۳۸۳.
۳۶. موحد، م.، (۱۳۸۲) مشاکت سیاسی زنان و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن. مطالعات زنان. سال اول. شماره سوم.
۳۷. مهدیزاده و دیگران، (۱۳۸۲)، «برنامه‌ریزی راهبردی توسعه شهری»، وزارت مسکن و شهرسازی، معاونت معماری و شهرسازی.
۳۸. مهدیزاده، جواد، (۱۳۸۰)، «به سوی شهرسازی دموکراتیک»، مجله مدیریت شهری، شماره۵.
۳۹. میردادمادی، م.، ع. باقری و س. اسماعیلی (۸۹۱۳)، بررسی میزان اگاهی دانش‌آموزان دوره متوسطه شهر تهران از حفاظت محیط زیست. علوم و تکنولوژی محیط زیست، دوره دوزادهم. شماره اول.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-15]

۴۰. هادی پور، م. و ر. شـکروی (۱۳۸۳) بررسـی میزان آگاهـی و روش‌هـای بهینه آموزش زیسـت محیطی در زنـان خانـه دار. فصلنامـه علمـی سـازمان حفاظـت از محیط زیسـت، ص۲۱
41. Astleithner, F and Hamedinger, A., (2003), "Urban Sustainability as a New Form of Governance: Obstacles and Potentials in Case of Vienna", Journal of Innovation, Vol. 16, No.1, pp. 75-51.
42. Clark, Brian, D., (1981), "Urban Planning in Iran: Chang and Development in the Middle East", British library.
43. Counsell, Dave snd Graham Haughton, (2006), "Advancing Together in Yorkshire and Hubefide" in book: territory, identity and spatial planning.
44. Hall, Peter and Ulrich Pfeiffer, (2000), "Urban Future 21", spon press.
45. Healey, P., (2006), "Collaborative Planning", second edition, Palgrave macmillan.
46. Jain, A. K., (2003), "Actioning New Partnerships for Indian Cities", Cities, Vol.21, No.1, pp. 55-41.
47. Jonathan S., Davies, (2002), "The Governance of Urban Regeneration: A Critique of the Governance without Government", public Administrating, Vol. 80, No. 2.
48. Macleod, Gordon and Martin Jones, (2006), "Mapping the Geographies of UK Devolution", in book: Territory, hdentity, Spatial Planning, P. 339-336.
49. Mary Kauzya, john, (2003), "Local Governance Capacity Building for Rang Participation in Africa Countries", Discussion Paper Seris, No.33, Available at: www.cdt.iao.florence.it
50. Mc Gill, R., (1994), "Institution Development and the Notion of Sustainability" ,the International Journal of Public sector Management, Vol. 7-6, ABI, Inform Global, Pg.26,pp. 40-26.
51. Morphet, Janice, "Global Localism", in book: Territory, identity, Spatial Planning, P. 308.
52. Plerre.j-petters, G. (2000), "Governance, Politics and the State", Macmillan press, London, P:2).
53. Rakodi, C., (2001), "Forget Planning, Put Politics First? Priorities for Urban Management in Developing Countries", Journal of JAG l Volume 3 - Issue 3.
54. UN ESCAP, "what Is Good Governance?", www.unescap.org.
55. UNCHS, (2000), "The Global Campaign for Good Urban Governance", the journal of Environment & Urbanization, Vol. 12, No.1, INSTITUTIONAL PROFILE.
56. UNCHS, (2005), "Global Campaign on Urban Governance", Progress Report of the executive Director, wuf-progress-report.doc.
57. UNDP, (1997), "Governance for Sustainable Human Development", New York, pp. 5-2
58. UNDP, (2001), "Advancing Good Governance",www.adp.org

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-15]